

# مذاکرات مجلس

صورت مشروح مجلس روز يك شنبه ۱۶ تير ماه ۱۳۱۹ هـ

فهرست مطالب :

- ۱ - تصویب صورت مجلس
- ۲ - تصویب لایحه تعدیه استخدام آقای انوموزر متعصب من چاپخانه مجلس
- ۳ - بیانات آقایان وزیر اراک و مدیر مطابقتی و لغواتی و متعصب وزیر در تصویب نکت ایران وانکیس
- ۴ - تصویب لایحه استخدام آقای واهام ویر متعصب من چاپخانه مجلس
- ۵ - شور لایحه آئین داندوسی کبری از ماده ۷۱ تا ۷۸
- ۶ - موقع و دستور جلسه بعد - ختم جلسه

مجلس يك ساعت و چهل دقیقه پیش از ظهر بریاست آقای استفندیاری تشکیل گردید

صورت مجلس روز شنبه ۱۵ تير ماه را آقای (موسی) منشی خواندند

۱ - تصویب صورت مجلس

رئیس - در صورت مجلس نظری نیست (گفته شد - خبر)

صورت مجلس تصویب شد.

۲ - تصویب لایحه تعدیه استخدام آقای انوموزر منحصراً منی چاپخانه مجلس

رئیس - گزارش کمیسیون خارجه و محاسبات راجع به

تجدید استخدام آقای انوموزر

(بشرح زیر خوانده شد)

گزارش از کمیسیون محاسبات بمجلس شورای ملی

کمیسیون محاسبات مجلس شورای ملی روز دوشنبه دهم

تیرماه بریاست آقای جلالی نایب رئیس کمیسیون تشکیل

و لایحه نمره ۳۳۳ پیشنهادی کار برداری راجع به تعدیه

کنترات آقای انوموزر را مطرح شور و ملاحظه قرار داده

و پس از توضیحات از طرف کار برداری با جزئی اصلاحی مواد زیر را تصویب اینک گزارش آن برای تصویب تقدیم میگردد.

گزارش از کمیسیون امور خارجه به مجلس شورای ملی

کمیسیون امور خارجه لایحه شماره ۳۳۳ کار برداری

مجلس شورای ملی راجع به تعدیه استخدام آقای انوموزر

تابع آلمان را برای مدیریت منی قسمتی از چاپخانه مجلس

مطرح نموده از نقطه نظر ملیت با تجدید استخدام ایشان

موافقت حاصل شده اینک گزارش آن تقدیم میشود.

رئیس - شور در کلیات است. مخلفی نیست. رای گرفته

میشود بورود در شور مواد آقایان موافقین بر خیزند.

(اکثر برخاستند)

بین مذاکرات مشروح چهل و هفتمین جلسه از دوره دوازدهم قانون گذاری

اداره تدوین و تحریر صورت مجلس

اسامی غائبین جلسه گذشته که ضمن صورت مجلس خوانده شده :

غائبین پارلمان - آقایان - موسی - منی - ترانی .

غائبین بی اجازت - آقایان - نتالاسلاسی - مهابد - و کتر شیدا - مرآت استفندیاری - جلالی - حریری - تهرانی - ساعنی - اعظمی و کنگ

لغواتی - کلان - اکو - مدلل - شیرازی - ذوالقدر - مشیردوانی - صادق وزیری .

غیر آهنگن بی اجازت - آقایان - تیکرود - انجلی .

رئیس - تصویب شد. ماده اول: ماده ۱ - کارپرداز مجلس شورای ملی مجازات مدت استخدام آقای انوموزر به اسم آلمانی را برای مدت قسیمی از امور چاپخانه مجلس که خصوصیات آن در قرارداد تصریح خواهد شد از آغاز آبان ماه ۱۳۱۶ بمدت پنج ماه دیگر تمدید نماید.

رئیس - موافقین بر خیزند (اعجاب برخاستند) تصویب شد. ماده دوم: حقوق پنجاهم آقای انوموزر مبلغ بیست و نه هزار و دویست و پنجاه ریال است که در آخر هر ماه خورشیدی مبلغ پنجاه هزار هشتصد و پنجاه ریال بیس بریال و نیم دیگر بهمارک آلمان پرداخته شود.

رئیس - موافقین بر خیزند (اکثر برخاستند) تصویب شد. ماده سوم: برای هزینه بازگشت او بآلمان چهار هزار ریال متناظر خواهد شد.

رئیس - موافقین بر خیزند (اکثر برخاستند) تصویب شد. ماده ۲ - کارپرداز مجلس شورای ملی مجاز است مبلغ سی هزار یکصد و پنجاه ریال نفقات اشتغال حقوقی پنجاهماه و حق خدمت ایام هر قسمی قانونی چهار ماهه گذشته مشارالیه را از محل سرافه جوئی بودجه سال ۱۳۱۶ چاپخانه مجلس تأمین و پرداخت نماید.

رئیس - موافقین بر خیزند (اعجاب برخاستند) تصویب شد. ماده ۳ - کارپرداز مجلس شورای ملی مجاز است مبلغ سی هزار یکصد و پنجاه ریال نفقات اشتغال حقوقی پنجاهماه و حق خدمت ایام هر قسمی قانونی چهار ماهه گذشته مشارالیه را از محل سرافه جوئی بودجه سال ۱۳۱۶ چاپخانه مجلس تأمین و پرداخت نماید.

رئیس - موافقین بر خیزند (اعجاب برخاستند) تصویب شد. ماده ۴ - کارپرداز مجلس شورای ملی مجاز است مبلغ سی هزار یکصد و پنجاه ریال نفقات اشتغال حقوقی پنجاهماه و حق خدمت ایام هر قسمی قانونی چهار ماهه گذشته مشارالیه را از محل سرافه جوئی بودجه سال ۱۳۱۶ چاپخانه مجلس تأمین و پرداخت نماید.

رئیس - موافقین بر خیزند (اعجاب برخاستند) تصویب شد. ماده پنجم: یکی از اختلافات مهمی که با شرکت دارم واژ چند سال پیش جلب توجه دولت را نموده و مورد تعجب و مذاکره و مکاتبه بااربابی شرکت نفت ایران و انگلیس واقع گردیده مسئله بهره برداری از مماندت نفت ایران است. این تشبیه به تصدیق اول فن واکتفاص مبالغ از امور مماندت نفت دنیا محرز است که استمداد منابع نفت ایران با توجه بمحدودین جدیدی که اخیراً در کجساران و بازاوان غیره کشف گردیده

بجای است که از ۱۶ تا سه برابر کما اکثر عموماً سالیانه که بنا کتونه مورد استفاده صاحب امتیاز بود و میتوان از آن ها استخراج نمود و محصول نفت کشور ایران متروکند بپردازد امر بمقام دولت و در از حیث اهمیت استخراج باید کرد (صحیح است) و این نیز مسلم است که منافع کشور

شاهنشاهی در استفاده کامل از منابع ثروت خود بوده و هر چه بیشتر شرکت باینده بهره برداری خود را توسعه دهد در رعایت منافع دولت بیشتر کوشیده است (صحیح است) و این منظور بود و بی وجه شبهه است که در ۱۲ ماده و ۱۳ متممات از ماده ۱۶ و ۱۷ ماده ۱۶ امتیازنامه از نهادهای و الزامات

حتمی و غیر قابل بحث صاحب امتیاز میباشد. (صحیح است) که باید بهایمات حسن نیت در انجام آن بعد اکثر امکان همی و کوشش نماید. با وجود مقررات سریع مذکور که شرکت ملزم بر عایت آن بوده با کمال کندی در چهار سال اول قدری بر استخراج نفت ایران افزوده و در سال ۱۹۲۳

مسیحیدم میلیون و نیم تن رسید و مبالغی و عده های کمبانی در اینکه همواره بهره برداری را توسعه خواهد داد باستی در سال ۱۹۲۴ حداقل به چهارده میلیون تن رسید و این با نقد کران و اشتراکاتی که در هر دولت هر سال از میزان مزبور کسب شده است در سال ۱۹۲۶ میزان این کاشفی

به یک میلیون تن رسید است و مبالغی الاملاهی که در دست است در سال جاری با وجود آمیختگی که نفت دارد و احتیاج جرمی که کشور های جهان بمحمولات نفتی دارند میزان این کاشش بدر چارتن بیشتر خواهد بود در مقابل استباحات و اشتراکات و مکتوبات دولت که مجموع آن کتلیبر دانشکلیل داده

است تا کتون صاحب امتیاز مقننیت بمذاکره غیر منطقی گردیده است بطوریکه دولت از اداس مسئله کنگران بود و توسعه ورود مبالغ ساده و خالی از نظر باقی خصوصاً نیست. (صحیح است) بلامزه در موضوع هر وقت دولت خود را با انگلانی

پسین آورده و از مقررات قسمت ۱ از ماده ۱۰ امتیازنامه که طرفه پرداخت حقوقی دولت آسرم بجامعین نموده و تخلف ورزیده که برای دولت مستلزم خسارت عده میباشد

بابت دولت اقدامات لازم به بهایمات و بعد از آن با نهایت جدیت تعقیب نموده و خواهد بود ولی نظر به اهمیت موضوع اختلافات و ردیه های که ممکن است بیناً بینایماند ضروری دانست اسباب را باستحصار مجلس شورای ملی برساند (صحیح است - صحیح است)

رئیس - آقای صدر صلح - الاملاهی که در ضمن خدیمات دولتی خود ادر جریان مسائل مربوطه بشرکت نفت بنیاد بود و با اهمیت موضوع امتیاز نفت که ثابتاً علاوه مبنی کامل دولت شاهنشاهی و ملت ایران بوده و دولت و واقعه و میباید لازم میدانم

از نظر منافع کشور شاهنشاهی بود و نسبت باینست جناب آقای وزیر دارائی بمبالغ مکلران خنرم خود برسانم. علت اینکه دولت شاهنشاهی با چار کردید امتیاز سابق نفت را اولو بنیاد

سرف نظر از اخفایات دیگری که از بهر نرات آن بهیلا آیدم بود مربوط به حقوق امتیازی دولت بود که بواسطه تقسیمش بینش های لازم در قرارداد سابق و سوء تفسیری که از مقررات آن بهیلا آیدم بود و منافع دولت دستخوش سوء استفاده و

زیاده برداشتی واقع گردیده بود (صحیح است) - بطوریکه در خاتمه دولت در سال ۱۳۱۰ بمطابق سال ۱۹۳۲ در پنجاه همین دوره به آزاد دولت از بانک و بیلیون و چند صد هزار لیره در سال قبل از آن به - سجد و کسری هزار لیره تقبیل یافت

و موجب شد که دولت از قبول وجهی که برای پرداخت حق امتیاز سالیانه متناظر ندیده بود امتناع نماید و پس از کنتنکوهی زیاد که از آن نتیجه حاصل نگردید دولت ناچار شد امتیازی را که از هر حیث مخلفه منافع و شئون کشور شاهنشاهی بود ائو بنیاد (صحیح است) و البته با توجه باینکه صاحب امتیاز در مدت منتهای چندین سال

نوعی مقررات امتیاز تخلف و در تأمین منافع کشور شاهنشاهی کوتاهی نموده بود دولت حتی دامت و میبخواست که در حفظ و بهر برداری این منبع مهم ثروت خود بطریق مقننیت - متغلا اقدام و از دادن امتیاز دیگری بشرکت نامبرم خود برداری نماید (صحیح است) ولی چون شرکت خنرم مذاکره

۱ - ولسی ولسی دهگلان آذربان - محمد هاشمی - پارسا - رئیس - بدینچه نایب - محمد باقر نوبخت - شجاع - دکتر فراهی - دکتر ماهری - اوزنگ - دکتر تاج پاشی - مکر - انتار - مستشار - مؤید احمدی - محمد وکیل - محمد حسن - حسین نامی - دکتر امامزاده - کیوان - توابعزیری - سید بخشزیری - نایب - زره نایب - دکتر آقان نوروی - طوسی - عمران - سهراب - منار - پودولان - ابراهیم - دستانی - لاجزانی - برجانی - یات - اوردی - آفندیویلو - روسی - ایزد ارابسی - مدام - ثابت - سهراب - ابراهیم - آزادی - گلوزاریان - شاینگ - محمد رضا اوردیلی - غیر فرزند - پناهی - جهانشاهی - آصف - فرخ - غریزی - قاضی - سید شکیلی - ساکنان - روسی - صنف - عزوی - دکتر غنی - مؤید نایب - منازاری - آملی - منسلح دولتی - پاشا شامزوری - ملاعلی قوشی - دکتر قائم امیری - ابراهیمی - روسی - امیر نیوو - موسی قومی - صولاری - ملازیری - نوبت - ماش و حدت - سیدی - مسودی - نیک - قور - فروری - هدایت - مسعودی - سزای - چاپلی - نامری - پاشیزی - لاجزانی - رضوی - مسودی - فرانسوی - دکتر سنگ - سزاروف - مصطفی - یازیزی - مؤید سنگ - دکتر مصطفی - سیدی - ماک منن - فرانی - مولوی - کوردوزی - موهوی - دکتر قربان - باغ - دکتر جنون - دادور یار احمدی - جعفر خواهد نمودی

پدیده جانتر دید در هرچه برادری مودان و فائین منابع دولت بر خلاف گذشته با حسن نیت کامل بهمدان لازمه نباید دولت که جز استفاده از منابع ثروت و تأمین منابع خود منتهی در بدایت جانتر بهتفکرارادامه حقوقی نیست باپایتازنه برده گردید (م. ص. ص. است) و در بر فراراد جدید نهایت جدید پهل آید که با آید بهارات سریع و روشن هر گونه موجبات اختلاف و زبان بشود و برای دولت شایسته و برای هر که در صورت و نیز شرکت بود و چنانچه ۱۲ آبانماه ملزم و متعهد گردید که در عملیات خود با یوسل به بهترین حال موصول و زیاده است و اذعان از منابع و از کادری را تأمین و به بهترین طریق با عملی سازش آید هر برادری نماید (م. ص. ص. است) و نیز شرکت بود و چنانچه ۱۲ آبانماه ملزم و متعهد گردید بود در عملیات خود را در اجرائی آن که تا کتباً حد اجرائی متوجه و بلاذره در وادف ۲۱ برای آنکه حتی در موارد پیش بینی نشده رام زبان بدولت از هر طریق مسدود شده باشد سریعاً شرکت متعهد گردید است که اجراء کلیه مقررات قرارداد را و به بنیادی حسن نیت عملی ساخته و خصوصاً متقبل شده است که در هر مورد و هر چه پیش بینی عملیات خود حقوق و امتیازات و منابع دولت را منظور دانسته اقدام پهلوی که بر زبان دولت تمام خود نماید و از اجرائی موضوعی که بتفخ دولت است شروع واری بکنند.

مطلبی که جناب آقای وزیر دارائی باطلاع مجلس رسانیدند برای بنده و بنین دارم برای همکاران محترم نیز ایجاد نگرانی نمود (م. ص. ص. است - م. ص. ص. است) و انتظار داشتم پس از آنچه وجهات و کوششهایی که بعمل آمد باز چنین پیش آید حاصلی روی دهد (م. ص. ص. است).

چنانچه بجهت است که با وجود مقررات سریع امتیازنامه و اجتناب از هر پرداخت حق الامتیاز و همچنین میزان بهره برادری و منابع نفت که موازین قانونی حقوقی و قضائی آن در کمال وضوح است چنانکه یک کمپانی که همیشه مورد مساعدت دولت مبادی اشاهی بوده و از منابع ثروت کشور ایران نواذد لوقی اعداد سرشار برده از رعایت حقوق مسلمه دولت سرچشمی

و امتناع و بیروزد (م. ص. ص. است) درجه وضوح مطلب بقدری است که باید متفکر شد کمپانی نظریاتی خارج از حدود دولت ملی و بازرگانی دارد (م. ص. ص. است - م. ص. ص. است) و بیشتر بجهت در این است که چرا تا کنون این وضعیت با کوار تبدیل شده و اقدام قبلی بعمل نیامده (م. ص. ص. است) با آنکه مطابق اطلاعاتی که دارم در هر قسمتی از قرارداد که بعهده برعهده دولت شاهنشاهی بوده همیشه با حسن نیت و حسن نیت اجراء گردید (م. ص. ص. است) بلکه در هر مورد و هر چه در امور مربوطه بشرکت سهامی و سهامداری بکنند از طرف دولت پهل آید (م. ص. ص. است) و البته نه وقت شرکت همین اقتضا را دارد ولی با شرط اینکه هر دو طرف حسن نیت را بر ارض دارند (م. ص. ص. است) مناهجهت حالا که بر طبق بیانات جناب آقای وزیر دارائی مودام میشود عمل و رفتار بر خلاف تعهدات اساسی شرکت در مقابل دولت بود است با کمال نگرانی و بیسبب از دولت انتظار دارم با علاقه کاملی که در حفظ مصالح و منافع حیاتی و ثروت ملی ایران دارند موضوع را مورد توجه خاصی چندی قرارداد می شود که در هر چه زود تر از نظر حقوق حقیقی دولت جلوگیری و تکذاب در هر قسمتی که گرانمی و یا بر اینگان از دست برود (م. ص. ص. است - م. ص. ص. است)

و پس - آقای طباطبائی -

طباطبائی - با یک نظر اجمالی بوضعیت ایران از لحاظ منابع ثروت معدنی بومی مشهور میشود که این کشور از حیث دارا بودن ثروت طبیعی و منابع زیرزمینی دارایی و وقتیت مهمی میباشد (م. ص. ص. است)

ذخایر گرانمایه که در دل این خاک نهفته و غنی است بطوری است که میتوانیم بگوئیم در تمام این کشور کمتر مکانی است که در ذریع آن یک غنچه معدنی مهمی وجود نداشته باشد (م. ص. ص. است)

البته آقایان بشکند که می خواهم با ذکر این وقایع و مختصر اشاره کنم کمالاً توجه فرمودید

می خواهم عرض کنم یکی از مهمترین و پرفایده ترین

و منابع در خیز ایران همین مودان نفت است (م. ص. ص. است) که متأسفانه بیگانگان سهم است حصول بر جای آنها را می بردند و منابع را بجز می بردند و بیاید خود و با تقاضای مطالب خود شورش و هرج و مرج و فتنه پانامه استخراج می کنند.

بنده در این موضوع که امرت بسیار مناسبی برای عرض منی مطلب بدست آورده ام مخصوصاً این نکته را لازم میدانم تذکر بدم چنانکه با مقررات سریع و روشن که در قرارداد جدید دولت و کمپانی است که مفاد آن از روی درستی و نظر بیطرفانه و با حسن نیت و بیحد اساساً اختلافی وجود پیدا نمیکرد (م. ص. ص. است) و همین مطلب منی عدم توجه به مفاد قرارداد و مسامحه در هر برادری و کسری قضایی که در اشتباه متجاهد شده و همچنین طرز پرداخت حقوق دولت وغیره و خصوصاً تأسیساتی هائی که همیشه در واضح ترین و روشن ترین کارها دیده امی رساند که گویا مقاصد دیگری در نظر دارند (م. ص. ص. است)

بنده واقعاً متعجب دارم که چرا دولت شاهنشاهی با وجود بیادری و روشن فکری خود تا این درجه تحول کرده اند؟ زیرا اساساً مسئله نفت جنوب و بویه کمپانی نفت برای ما یک نقطه غیر قابل توجه و یک نکته آبرو است (م. ص. ص. است) تا کی باید حوصله کنیم و در درباری طبعی خود را بدست دیگران اجتنک بدهیم و خودمان در مقابل احتیاجات ضروری خود در عسر و مشق (م. ص. ص. است) و اغلباً فکر کنید چه سعادتی و چه زبانهای وادی و مینوری که مختلف شایون ملی واجتماعی ما است از این کمپانی کشیده و دیده ایم (م. ص. ص. است)

و افسوس که حالا موقع مقتضی شرح آن نیست این کمپانی نه تنها خودش موافق حق و منابع مشروع ما رفتار نکند بلکه هر وقت هم غرضش تمام رسال است دیگر در قوه منی دیگر از منابع ثروت خود دست بکشد بجز با زمینها و آب چینی هائی که گویا اقدامات و عملیات ملرا غننی و مختل ساخته است (م. ص. ص. است)

خلاصه بنده از نظر اعدیت حیاتی که موضوع نفت برای

کشور دارد منی است متوجه این موضوع و امتیازی که از ۱۳۱۹ قمری (۱۹۰۱ میلادی) داده شده گردیده و است این منبع مهم ثروت که از غیر قابل قبلی است در بدایت از اقتصادی کشور ما دانسته از کوه وقت و مستشار تحصیل اطلاعاتی عیبست به عملیات گذشته صاحب این امتیاز و چه در مورد عملیات قبلی آن مودام و اندیشه های من هم در این باب نگرانیهای بی پایان برایم تولید نموده است ولی تا کنون از نظر اقتصادی که بدولتهای وقت داشتهام با اینکه در حفظ منابع کشور شاهنشاهی بیدار و ساهمیتند و اگر نگرانی و خود داشت البته اقدامات مقتضی نموده اند و انتظار خود را قانع نمیشانم که شاید من در تحصیل اطلاعات و اندیشه های خود را در خطا پیورده ام اما حالا که می بینم دولت خود باوریکه پیش بینی میکردم بسیار وسعت منابع کشور شاهنشاهی نگران میباشد از آقایان اجازه خواستم شده از اطلاعات خود را باختصار به عرض برسانم:

شرکت نفت انگلیس و ایران پس از داشتن و ارسال امتیاز در ایران تازه چند سال قبل و نیزان استخراج خود را با بریده و میلیون نرسایید و حال آنکه شرکت استخراج خود اولین کابلهای در جزیره کوچک بحرین مالک ما در مدت دو سال کوشش و منابع نفتی پیدا و در دست استخراج آرا بدینجاوزد یک میلیون و چند صد هزار نرسایید در صورتیکه صاحب امتیاز مودان ما مدین مهمی را دانسته کج ایران که در دنیا کمتر نظیر دارد و چند سال است مسلم شده که نفت بحد اکثر امکان در آن وجود دارد هنوز به عرض برده برادری نگذاشته است (م. ص. ص. است) و ارجح به نگران استخراج عنوان شرکت این است که بازرگانی برای توسعه بهره برادری وجود ندارد هر که چنین ادعائی بحدت داشت و بازرگانی فراهم نبود این منابع نفتی را که تازه در نقاط مختلفه بکسر ایدانته و این منابع لوی از نفت است که دائماً پیش از پیش استخراج میکنند چه بازاری موداد (م. ص. ص. است) بنظر من اینها تمام مبادی برای است غیر منطقی و بهر چه چه قابل قبول نیست و در به شرکت نفتی از نظر بات

دیگری است که ضرر آن بکشور ما وارد میآید (سحب است) و این رویه را که تعقیب میکنند از هیچ جهت با منافع و حیایات دولت شاهنشاهی وفق میباشد (سحب است) دولت ایران باید حاضر شود که منافع لزوم و منافعی دستخوش چنین اغراضی گردد (سحب است) اما اگر به تجدید امتیاز باید نظر نکند تن در دایم برای این بود که سکنه بهما اطمینان داده شده بود که منافع دولت شاهنشاهی کلا از این و دیگر در زمینه وقایع گذشته غلباتی نخواهد شد حالا که معلوم شد و دعوت بدین منوال است من و ائمه محبت دارم که دولت دیگر چه انتظاری دارد و چرا اقدامات جدی لازم که در خود این وضعیت است نمیآیند؟ (سحب است) بهر صورت بنور هر حسب وظایف که در مورد دولت را بپذیرد و مسئولیتی که از جهت حفظ منافع دولت در عهده دارند متوجه میشود و امیدوارم بزودی متعلق ما را در وطن سازند که سکنه دعوت یافتنی در تأمین منافع کشور افتخار و رفح ایرانی را از هر جنبه خواهان فرمود (سحب است).

رئیس - آقای لیقوانی:

لیقوانی - بیانات جناب آقای وزیر دارائی و اظهارات دو همکار محترم بهداری جامع و کافی جهت شرح مطلب بود که برای بنده موردی باقی نمیماند تا چیزی بر آن بیفزایم. اما اینکه اجازه سخن خواستم بدین منظور بود که عرض کنم بالاخره باید از مذاکرات و بیانات نتیجه گرفته شود (سحب است) و نتیجه سکنه بنظر بنده میرسد اینطور بیندیشد و میکنند؛ که دولت شاهنشاهی از شرکت نفت ایران و انگلیس بخواهند که بالا اقل بجهت تناسبی که آقای وزیر دارائی ضمن بیانات خودشان را عرض به میزان بهره برداری متذکر شدند حقوق دولت را با توجه که مقرر فرموده (سحب است) اسم از اینکه بدان اندازه استخراج میکند یا نکند (سحب است) - (سحب است) و با اینکه آن مقدار از منافع نفت را که شرکت وسایل بهره برداری کامل آرا دارد نگاه بدارد و باقی را واگذار کند (سحب است) که دولت خود اقدام لازم در استفاده از آن بعمل بیاورد

داده و باین وجه پیشنهادی موافقت حاصل اینک خبر آرا برای تصویب تقدیم میگرد

رئیس - مذاکره در کابیات است. مخانی نیست. رأی گرفته میشود پرورد در شور مواد آقبایات موافقت قیام فرماید (غالب بر خاشتنه) تصویب شد ماده اول قرائت میشود ماده پنجم - کابری در مجلس شورای اربابی مجاز است استخدام و باهمام ویر نیمه آلمان را برای سر پرستی مابین آلات چاپخانه مجلس مربوط بپناه سرب و انشور و سایر غیره و نصب مابین آلات مورد احتیاج از تاریخ ۱ فروردین ماه ۱۳۱۶ برای مدت یکسال تمدید نمایند

رئیس - موافقت با ماده اول قیام فرماید (اکثر قیام اودوند) تصویب شد ماده دوم

ماده دوم - حقوق یکساله او چهل و هشت هزار ریال خواهد بود که در آخر هر ماه شصت و پنج هزار ریال نصف بر باد نصف دیگر باز خزانی (از محل اوز بودجه مجلس شورای ملی) پرداخته می شود

رئیس - آقای آقا سید مطوب  
الاحدی مطوب - اینجا نوشته است حقوق یکساله او چون مواد هم متداول است محبت اسم و باهمام را بنویسند بهتر است.

رئیس - موافقت با ماده دوم قیام فرماید (اکثر قیام اودوند) تصویب شد. ماده سوم

ماده سوم - برای هزینه بر کشتن مشار الیه با امان مبلغ دو هزار و پانصد ریال منظور خواهد شد

رئیس - موافقت ماده سوم بر غنیزه (اکثر بر خاشتنه) تصویب شد ماده چهارم:

ماده چهارم - آقای و باهمام بر در ظرف این یکسال یکماه مرخصی با استفاده از حقوق خواهد داشت. رئیس - موافقت با ماده چهارم قیام فرماید (اکثر قیام اودوند) تصویب شد ماده پنجم:

پنجم - کابری در مجلس مجاز است طبق ماده دوم قانون کسرات مستخدمین خارجی مودیه ۲۳ عرق ۱۳۰۱ سایر شرایط را تعیین و قرارداد آقای و باهمام ویرا امضا نمایند رئیس - موافقت با ماده پنجم قیام فرماید (اکثر قیام اودوند) تصویب شد. مذاکره در کابیات آخر است مخانی نیست (کنده شد) - رأی گرفته میشود به مجموع مواد و رده آقبایاتی که موافقت دارند ورقه سفید خواهند داد.

(اختیار استخراج آراء به آمد ۹۶ ورقه سفید شده اند) رئیس - عده حاضر در موقع رأی ۱۰۳ که اکثریت ۶۶ رأی تصویب شد:

۱- بایه شور اول لایحه آیین دادرسی کبیری از ماد ۱۶۷ تا ۱۶۸

رئیس - بایه شور اول گزارش کبیر - بیون داد کسری راجع به آیین دادرسی کبیری از ماده ۶۸ شروع میشود ماده ۶۸ - اختلاف مذکور در ماده پیشنهادی کسری اختیاری ذینقاع با در خواست دادستان در دادگاه بالاتری که طبق مقررات آیین دادرسی مدنی تشخیص میشود به قریب مقرر در آن قانون رسیدگی میشود.

رئیس - ماده ۶۹:

۱- ابراهیم رودت گن - آقایی - نیکور - زورم - رضوی - لیقوانی - کابری - واپس - هدایت - فرخ - مسعودی - گرامانی - بیات - حسین الله لاریجانی - دینیتی - پارسا - مصفا الله پازیری - در کتر خاک زاده - حسن مهدوی - ملازی - فرح الله آصف - کبیران - عدالی - غایت - مهددی - ماده - فردوسی - شهسووت - مؤید احمدی - مولوی - دولشاهی - ایلانی - وکیل - سوارب - ساد کبیران - مصمم سکن - در کتر دولان - کازرونان - مجیدی - فراس - در کتر آندان - نهوری - حسین ظالمی - جریانی - در کتر سبب - سید قائم زیدی - مهدی - مودودی - مودودی - کوردی - فرخی - ابراهیم زور - شاه مدنی - ابراهیم دیگن - امری - هر از - در کتر انی - مولوی - سوزولی - ناسری - مهدی الله پازیری - کوردی - فرخی - ابراهیم زور - شاه مدنی - ابراهیم دیگن - امری - هر از - در کتر انی - مولوی - سوزولی - ناسری - مهدی الله پازیری - اود اودانی - هاشمی - در کتر آصف ناصح بخش - حبیب ملکان - نواب زیدی - میر خواجه نوری - حیدر شاه - مولود آقایی - در کتر سکن - جریالی - مودودی - دولت زاده املی - ملاط سبب - قزوق - سلفانی - آنتار - فرخی - کابری - زرنی - نوری - نوری - مکرر آنتار - مطهری - آقایی - سبب - مطوب - کبیری - وهریزی - در کتر فریاض - مصفا الله پازیری - در کتر فرحمن - سهراردی - اصفهانی - پادسی - پزار احمدی - چایچی - طایبانی - دود ضیایی - مؤید قوامی - مسعودی - طوسی - ابراهیم سبب - نویبت - در کتر طاعری

ماده ۶۶ - اختلاف در صلاحیت و طرح آن در دادگاه بلاایستادت توفیق پاز چوئی مقدمانی نمیشود ولی شروع بدادرسی و صدور حکم را حل اختلاف به تعویق مینماید.

رئیس - ماده ۷۰ - همچنین یکی از طرف اختلاف بر حسب مورد اعلام صلاحیت یا عدم صلاحیت خود را نمود اختلاف مرتفع نمیشود.

رئیس - ماده ۷۱:

ماده ۷۱ - هر گاه اختلاف بین دادرسی عمومی و دادرسی اختصاصی باشد رفع اختلاف در دیوان کشور میشود.

در صورت اختلاف بین بازپرس و دادستان راجع به صلاحیت عملی بازپرس رفع اختلاف در دادگاه شهرستان بعمل خواهد آمد در این مورد دادگاه شهرستان خارج از نوبت در جلسه اداری رسیدگی کرده و رأی آن قابل پژوهش و فرجام نیست. دادگاه میتواند منتهرا در مواردیکه لازم بداند در جلسه اداری احضار نماید.

در صورتیکه بین بازپرس و دادستان راجع به صلاحیت بازپرس دادگستری و بازپرس دادرسی لرزش اختلاف باشد حل آن یا دادگاه استان است.

هر در مورد که بین دادستان و بازپرس راجع به نوع بزه اختلاف باشد پرده برداری دادرسی بدادگاهی که دادستان آرا صالح میدانند رجوع خواهد شد.

رئیس - ماده ۷۲:

مبحث چهارم - احاله

ماده ۷۲ - در موارد ذیل در هر حالتی از حالات رسیدگی بدوئی کبیری امم از بازچوئی (که بوسیله هر یک از شاکیان بدادگستری بعمل میآید) و دادرسی دیوان کشور بدخواست دادستان شهرستان و یا دادستان استان و یا دادستان کشور میتواند بازچوئی بدادداری از حوزه بزه دیگر احاله نماید الف - در صورتیکه پیشتر متهمین یا کوهان در حوزه دادگاه دیگری اذیت دارند.

ب - در صورتیکه جبهه همی راجع بانقضات عمومی

## قانون

### امور حسبی

#### باب اول - در کلیات

ماده ۱ - امور حسبی اموری است که دادگاهها میکنند نسبت بآن امور اقدام نموده و تصمیمی اتخاذ نمیند بدون اینکه رسیدگی بآنها متوقف بر وقوع اختلاف و منازعه بین اشخاص واقعه دعوی از طرف آنها باشد.

ماده ۲ - رسیدگی بامور حسبی تابع مقررات این باب میباشد مگر آنکه خلاف آن مقرر شده باشد.

ماده ۳ - رسیدگی بامور حسبی در دادگاههای حقوقی بعمل میآید.

ماده ۴ - درمووضوعات حسبی هر گاه امری در خارج از مقر دادگاهی که کلاً در آنجا مطرح است باهمانجا شود دادگاه مزبور میتواند انجام امر در دادگاهی که کلاً در حوزه آن باید بشود ارجاع نماید و در اینصورت دادگاه نامبرده امر ارجاع شده را انجام و نتیجه را بدادگاه ارجاع کننده امر میفرستد.

ماده ۵ - مقررات راجع به بیات قضائی که در آیین دادرسی مدنی ذکر شده شامل امور حسبی خواهد بود.

ماده ۶ - در صورتیکه دو یا چند دادگاه برای رسیدگی بدو موضوع صالح باشند دادگاهی که بدو آن رجوع شده است رسیدگی مینماید.

ماده ۷ - در صورت حدوث اختلاف در صلاحیت دادگاهها رفع اختلاف به ترتیب مقرر در آیین دادرسی مدنی بعمل میآید.

ماده ۸ - دادرسی باید در موارد زیر از مداخله در امور حسبی خودداری کند:

۱ - اموری که در آنها ذینفع است.

۲ - امور راجع به زوجه خود (زوجه ای که در عده طلاق رجعی است در حکم زوجه است).

۳ - امور اقرباء نسبی و سببی خود در درجه یک و دو از طبقه اول و درجه یک از طبقه دوم.

۴ - امور راجع بانقضات که سمت ولایت یا قیمومت یا امیندگی نسبت بآنها دارد.

ماده ۹ - در موارد خود داری دادرسی هر گاه در آن حوزه دادرسی صلاحیت دار برای رسیدگی نباشد رسیدگی بدادگاه نزدیکتر ارجاع میشود.

ماده ۱۰ - در موارد ماده ۷ دادرسی باید از رسیدگی خود داری نماید ولی اشخاص ذینفع نمیتوانند باستاند این ماده دادرسی را رد نمایند.

ماده ۱۱ - عدم صلاحیت عملی دادگاه یا خود داری دادرسی از مداخله در خصوص امری واقع آثار قانونی اقدام یا تصمیمی که بعمل آمده است نخواهد بود.

ماده ۱۲ - روزهای تعطیل مانع از رجوع به دادرسی در امور حسبی نیست ولی دادرسی نمیتواند رسیدگی را در روزهای تعطیل بتأخیر اندازد مگر آنکه امر از امور فوری باشد.

ماده ۱۳ - درخواست در امور حسبی ممکن است کتبی یا زبانی باشد - درخواست زبانی در صورت مجلس نوشته شده و یا مضافه درخواست کننده میرسد.

ماده ۱۴ - در امور حسبی دادرسی باید هر گونه باز چوئی و اقدامی که برای اثبات قضیه لازم است بعمل آورد

در بین بوده و یا برای رسیدگی از روی بیفرسی و یا تردیکی عمل وقوع بزه احاله اقتضاء دانسته باشد.

وزیر دادگستری نیز میتواند در موارد فوق توسط دادستان دیوان کشور درخواست احاله امر را از دیوان مزبور بطلبد.

رئیس - ماده ۷۳:

ماده ۷۳ - رسیدگی بدخواست احاله بازچوئی و دادرسی را منوقت نمیکند مگر آنکه دیوان کشور برای صدور دستور احاله توشیحاتی خواسته و ضمناً توفیق پاز چوئی یا دادرسی را لازم شمرده باشد در هر حال مقامی که کلاً تر از او مطرح میباشد باید اقداماتی را که بنظر او فوریت دارد بعمل آورد

رئیس - ماده ۷۴:

ماده ۷۴ - دیوانت کشور در دستور احاله ذکر جبهه نمیکند و ضمن آن مقامی را که بازچوئی یا دادرسی به او محول میشود تعیین مینماید این دستور بلافاصله بدادسرای که کلاً در آنجا مطرح بوده ارسال میشود که وسایل اجرای آرا فراهم کند و رونوشتی از آن بدادسرای که کلاً بآن احاله شده فرستاده میشود و نیز خلاصه دستور احاله بطرف خصوصی اطلاع داده میشود.

رئیس - ماده ۷۵:

ماده ۷۵ - پس از صدور دستور احاله درخواست القاء آت با احاله به حوزه دیگر جایز است هر گاه درخواست احاله رد شد دیگر قابل تجدید نیست مگر آنکه جهات جدیدی پیدا شود.

رئیس - ماده ۷۶:

ماده ۷۶ - زهی که نسبت بدادرس و یا کربند دادرسی در حین انجام وظیفه و یا بسبب آن ارتکاب شده باشد قابل احاله نیست.

[۶] - موقوف و دستور جلسه - بعد - ختم جلسه

رئیس - اگر ضویب بفرماید جلسه را ختم کنیم جلسه آینده روز یکشنبه ۲۴ تیر ماه سه ساعت پیش از ظهر دستور لوابیح موجوده - (مجلس لیم ساعت پیش از ظهر ختم شد) رئیس مجلس شورای ملی - حسن اسفندیاری

هر چند درخواستی از دادرس نسبت بآن اقدام نشده باشد و در تمام واقع رسیدگی می‌تواند دلائلی که مورد استناد واقع می‌شود قبول نماید.

**ماده ۱۵** - اشخاص ذینفع می‌توانند شخصاً در دادگاه حاضر شوند یا نماینده بفرستند و نیز می‌توانند کسی را بابت مشاور همراه خود بدارند گاه بی‌اوردن و در صورتیکه نماینده بدارد گاه فرستاده شود نماینده کی او باید تعداد دروس محرز شود. قیصره - نماینده اعم از وکلاء دادگستری یا غیر آنها است.

**ماده ۱۶** - حساب مواجد پرتیبی است که در آئین دادرسی مدنی ذکر شده و اگر روزاً آخر مواعد مصادف با تعطیل شود آخر موعد روز بعد از تعطیل خواهد بود.

**ماده ۱۷** - در مهلت هائیکه - اقت رعیات میشود ترتیب آن مطابق مقررات آئین دادرسی مدنی راجع بپسگاست.

**ماده ۱۸** - اشخاص ذینفع می‌توانند پیرونده های امور حسبی را ملاحظه نموده و از محتویات آن رونوشت گواهی شده یا گواهی شده از دفتر دادگاه بگیرند.

**ماده ۱۹** - هر گاه ضمن رسیدگی بامور حسبی دعوائی از طرف اشخاص ذینفع حادث شود که رسیدگی بامور حسبی متوقف بتمین تکلیف نسبت بآن دعوی باشد دادرس در صورت درخواست دستور موقتی در موضوع آن دعوی مطابق مقررات دادرسی فوری صادر می‌نماید.

**ماده ۲۰** - اقدام و دخالت دادستان در امور حسبی مخصوص بامور حسبی است که در قانون تصریح شده است.

**ماده ۲۱** - در مواردی که دادستان مکلف با اقدام به عهده دادسرای دادگاه شهرستانی است که رسیدگی در حوزه آن دادگاه بعمل می‌آید.

**ماده ۲۲** - دادرس پس از تمام شدن بازجویی و رسیدگی منتهی بدزلف در روز تصمیم خود را اعلام می‌نماید.

**ماده ۲۳** - تصمیم دادرس باید موجه و مدلل باشد.

**ماده ۲۴** - در مواردیکه تصمیمات دادگاه باید ابلاغ شود ترتیب ابلاغ مانند مقررات آئین دادرسی مدنی است.

**ماده ۲۵** - در صورتیکه ابلاغ در کشور بیگانه باید بعمل آید دادرس می‌تواند ترتیب سهلتری برای ابلاغ بدزلف گرفته و دستور دهد.

**ماده ۲۶** - هر گاه شخصی که تصمیم دادگاه باید ابلاغ شود در دادگاه حاضر باشد تصمیم دادگاه با ابلاغ اعلام و این عمل ابلاغ محسوب است و رونوشت نیز با او داده میشود.

**ماده ۲۷** - تصمیم دادگاه در امور حسبی قابل پژوهش و فرجام نیست جز آنچه در قانون تصریح شده باشد.

**ماده ۲۸** - مرجع شکایت پژوهش از تصمیمات قابل پژوهش در امور حسبی دادگستری است که مطابق آئین دادرسی مدنی صلاحیت رسیدگی پژوهش با حکام دادگاه صادر کننده تصمیم در مورد دعوائی دارد.

**ماده ۲۹** - مدت پژوهش همان است که برای پژوهش احکام در آئین دادرسی مدنی مقرر شده.

**ماده ۳۰** - در صورتیکه پژوهش خواه اثبات کند که پژوهش نخواستن او در موعد بواسطه عذر موجه بوده و در ظرف ده روز از تاریخ وقوع عذر پژوهش خواهد داد گاهی که مرجع رسیدگی پژوهش است می‌تواند مهلت پژوهش را تجدید نماید مشروط به اینکه از تاریخ افضاء مدت پژوهش بیش از ششماه نگذشته باشد.

**ماده ۳۱** - مهلت جدید نباید بیش از موعد پژوهش باشد و درخواست تجدید مهلت بیش از یکبار نمی‌پذیرفته نیست.

**ماده ۳۲** - شکایت پژوهش بدقت دادگامی که صادر کننده تصمیم مورد شکایت بوده داده میشود و دفتر نامبرده

باید فوراً شکایت نامه را بوسیله و رسد آنرا بشاکی داده و منتهی بدزلف در روز شکایت نامه پژوهشی و با بر گهای مربوط بان بدادگامی که مرجع رسیدگی پژوهشی است بفرستد.

**ماده ۳۳** - شکایت پژوهشی بکسبت شفاهی باشد در اینصورت شکایت نامبرده در صورت مجلس دادگاه درج و باعضا شاکي و دادرس میرسد و اینصورت مجلس با بر گهای مربوطه بدارگاه مرجع رسیدگی پژوهشی فرستاده خواهد شد.

**ماده ۳۴** - شکایت پژوهشی بکسب است بوسیله بجهت با ادا له جدید باشد.

**ماده ۳۵** - شکایت پژوهشی موجب توقیف اجراء تصمیم مورد شکایت نمیشود مگر اینکه دادگامی که رسیدگی پژوهشی میکند فرار تأخیر اجرائی آنرا بدهد.

**ماده ۳۶** - تصمیم دادگاه استان بافق با یا کتريت آراء معلوم میشود.

**ماده ۳۷** - دادگامی که رسیدگی پژوهشی بنماید هر گز نه رسیدگی و تحقیق که مفید و لازم بداند بدون احتیاج بدخواست بعمل بیاورد و پس از رسیدگی اگر تصمیم مورد شکایت را صحیح بداند آنرا تأیید و چنانچه قضی در تصمیم نامبرده مشاهده کند نظر موقت خود را تأیید نکند ببنماید و هر گاه تصمیم مورد شکایت را صحیح نداند آنرا اذعان نموده و تصمیم مقتضی را اعلام بنماید.

**ماده ۳۸** - هر گاه در تصمیم دادگاه اشکالی در حساب با سهو ظلم یا اشتباهات دیگری رخ دهد مثل از قلم افتادن نام یکی از اشخاص ذینفع یا زیاد شدن نامی - ادا له که آفت تصمیم بوسیله شکایت بدارگاه بالاتر از دادگاه خارج نشده باشد دادگاه صادر کننده تصمیم مستقلاً یا بدخواست یکی از اشخاص ذینفع آنرا تصحیح بنماید و این تصحیح زیر تصمیم دادگاه با بر کد دیگری که پیوست آن میشود نوشته خواهد شد. دادن رونوشت از تصمیم دادگاه بدون پیوست نامبرده ممنوع است.

تصحیح به اشخاصی که تصمیم دادگاه باید ابلاغ شود ابلاغ میشود و در مواردی که تصمیم دادگاه قابل پژوهش است تصحیح آنهم در مدت مقرر برای پژوهش قابل پژوهش خواهد بود.

**ماده ۳۹** - هر گاه تصمیم دادگاه از اعتبار افتاده باشد تصحیح هم از اعتبار خواهد افتاد.

**ماده ۴۰** - هر گاه دادگاه رأیاً یا بر حسب تذکر بخضام تصمیم خود بر خورد در صورتیکه آن تصمیم قابل پژوهش نباشد می‌تواند آنرا تغییر دهد.

**ماده ۴۱** - تصمیمی که در زمینه درخواستی بعمل آمده است تغییر آن هم محتاج بدخواست است.

**ماده ۴۲** - هر گاه در استیضاح از مواد قانون بین دادرسمانی که رسیدگی پژوهشی میکند اختلاف نظر باشد دادگامی که پاسر حسبی رسیدگی پژوهشی بنماید می‌تواند بنوسط دادستان دیوان کشور نظر هیئت عمومي دیوان کشور را بخواهد و در اینصورت دادگاه نظر خود را بدلائل آن برای دادستان دیوان کشور می‌فرستد و پس از آنکه دیوان کشور نظر خود را اعلام کرد دادگاه مکلف است مطابق آن عمل بنماید.

**ماده ۴۳** - دادستان دیوان کشور از هر طرفی که مطلع بسره استیضاح از مراد این قانون در دادگاهها میشود یا باختلاف نظر دادگاهها ما راجع بامور حسبی اطلاع حاصل کند که مهم و مؤثر باشد نظر هیئت عمومي دیوان کشور را بخواهد و بوزارت دادگستری اطلاع میدهد که بدارگاهها ابلاغ شود و دادگاهها مکلفند بر طبق نظر مبرور رفتار بنمایند.

**ماده ۴۴** - کسانیکه تصمیم دادگاه را در امور حسبی برای خود مندر بداند می‌توانند بر آفت اعتراض نمایند خواه تصمیم از دادگاه نکست صادر شده و یا از دادگاه پژوهشی باشد و حکمی که در نتیجه اعتراض صادر میشود قابل پژوهش و فرجام است.

ماده ۴۵ - مقررات آیین دادرسی مدنی راجع بظلم علیه سریدگی شامل امور حسبی نیز خواهد بود.

ماده ۴۶ - در امور حسبی اگر دادرس آشنا بزبان اشخاص باشد بلامرغ به مدافعه دادن مترجم نیست و در صورت احتیاج مترجم بپدرس میتواند کسیکه طرف اعتماد او است برای ترجمه انتخاب نماید.  
مترجم نباید از اشخاص مذکور در ماده ۸ انتخاب شود.

ماده ۴۷ - در مورد دعوی خیانت باعدم لزوم سایر وجوهای عزل وصی یا منم امین ترتیب رسیدگی مطابق مقررات این قانون است و حکمی که در این خصوص صادر میشود مطابق آیین دادرسی مدنی قابل پژوهش و فرجام است.

## باب دوم - در قیومت

## فصل اول - صلاحیت دادگاه قیومت

ماده ۴۸ - امور قیومت راجع بهادک شهرستانی است که افغانستانک محجور در حوزة آن دادگاه است واکر محجور در ایران افغانستانک نداشته باشد دادگاهی که محجور در حوزة آن دادگاه سکنی دارد برای امور قیومت صالح است.

ماده ۴۹ - هرگاه محجور در خراج ایران اقامت یا سکنی داشته باشد امور قیومت راجع بهادک شهرستان طهران است.

ماده ۵۰ - در صورتیکه محجور در خراج ایران اقامت یا سکنی دارد و مطابق ماده ۱۲۲۸ قانون مدنی مأهول کسولی ایران قیم موقت برای محجور معین نماید اگر دادگاه تهران تصدیق مأمور کسولی را تصدیق نکند معین قیم پادادگاه نامبرده خواهد بود.

ماده ۵۱ - در صورتیکه متوفی دارای صناعی باشد که افغانستانک آنها مختلف است دادگاهی که برای یک نفر از صنایع بدو تعیین قیم کرده است میتواند برای صناعی هم که در حوزة آن دادگاه اقامت ندارند قیم معین نماید و اگر قیم معین ندهد پادادگاهی که کوچکترین صنف در حوزة آن اقامت دارد برای تعیین قیم نسبت بنام صنایع صلاحیت خواهد داشت - و اگر معلوم نباشد کدام یک از صنایع کوچکتر در یک از دادگاه ها که صنف در حوزة آن دادگاه اقامت دارد صالح است.  
ماده ۵۲ - هرگاه دو افغانستانک محجور دادگاه صلاحیت دار برای امور قیومت نباشد امور مزبور با نزدیکترین دادگاه صلاحیت دار به افغانستانک محجور خواهد بود.

ماده ۵۳ - در صورتیکه افغانستانک محجور معلوم نباشد امور قیومت پادادگاهی است که محجور در حوزة آن دادگاه پایت میشود:

ماده ۵۴ - عزل و تعیین قیم جدید و تعیین قیم موقت و سایر امور محجور که راجع به دادگاه است با دادگاهی است که پاداد معین قیم کرده است.

## فصل دوم - ترتیب تعیین قیم

ماده ۵۵ - علاوه بر اشخاص مذکور در ماده ۱۲۱۹ و ۱۲۲۰ و ۱۲۲۱ قانون مدنی شهرداری و اداره آمار و ثبت احوال و مأمورین آنها و دهیان و بخشدار در هر محل مگاند پس از اطلاع بوجود صغیری که محتاج تعیین قیم است پادادست شهرستان حوزة اطلاع دهند.

ماده ۵۶ - هر یک از دادگاهها که در جریان دعوی مطلع بوجود محجوری شود که ولی یا وصی یا قیم نداشته باشد پادادستان برای تعیین قیم اطلاع بدهد.

ماده ۵۷ - در رسیدگی بخواست حجر دادگاه است پاداشناسیکه مجنون یا سنیه معرفی شده اند هرگز به تحقیق که لازم بپاداد همسمل میآورد و میتواند اشخاصی که اطلاعات آنها را قبیل استفاده پاداد احتیاج نموده و یا برای تحقیق از اشخاص نامبرده نمایند به فرستند و پس از رسیدگی و تحقیقات لازم و احراز حجر حکم بجزع میدهد و در صورت عدم احراز حجر درخواست حجر را رد مینماید.

ماده ۵۸ - هرگاه دادگاه لازم بپاداد از کسیکه محجور معرفی شده تحقیق کند و آشناس نواند در دادگاه بواسطه غدر موجبه حاضر شود دادرس دادگاه شخصاً یا بواسطه نماینده در خارج از دادگاه از تحقیق مینماید.

ماده ۵۹ - هرگاه صغیری که ولی خاص ندارد در زمان رسیدن سن رشد سقیه یا مجنون باشد قیم باید پادادستان چون پاداد او را اطلاع دهد و داستان پس از اطلاع باین امر مکلف است در موضوع جنون و سلامت تحقیق نموده و دلایل آرا اعم از نظریات کارشناس و اطلاعات معلمین و غیره پادادگاه بفرستد و دادگاه پس از رسیدگی و احراز جنون یا سنیه حکم پادادستمراد بوقایع حجر صادر مینماید در اینصورت ممکن است قیم سابق را هم بقیومت ایفاء نمود.

ماده ۶۰ - برای چند نفر از اشخاص محتاج قیم میتوان یک قیم معین نمود مگر آنکه اداره امور هر یک از آنها محتاج بقیم علیحده باشد.

ماده ۶۱ - پدر یا مادر محجور مادام که شوهر ندارد پادادستن صلاحیت برای قیم برد بر دیگران مقدم مینماید.

ماده ۶۲ - در صورت محجور شدن زن شوهر یا دانتن صلاحیت برای قیومت بر دیگران مقدم است.

ماده ۶۳ - در مورد تعدد قیم و همچنین در مورد قیم نظرمعین شده است دادگاه معین میکند که در صورت اختلاف نظرمعین قیما یا بین قیم و نظرمعین دادگاه پاداشخص ثالثی رجوع نماید و با ترتیب دیگری را برای دفع اختلاف پیشبینی نماید.

ماده ۶۴ - دادگاه میتواند شخصی را که درخواست حجر او شده است قبل از صدور حکم و یا بعد از صدور حکم و قبل از قطعی شدن آن از بیضی یا تمام تصرفات در اموال موقتاً ممنوع نماید. و در اینصورت دادگاه امینی موقتاً برای حفظ اموال و تصرفاتی که ضرورت دارد معین مینماید.

ماده ۶۵ - بعد از قطعی شدن حکم حجر بواسطه ایفاء مدت پژوهش یا صدور حکم پژوهشی بجزع اقدام بتعیین قیم نمیکردد.

ماده ۶۶ - داستان و محجور و قیم محجور نسبت بتصمیمات دادگاه، در موارد زیر میتوانند پژوهش بخواهند اگر قیم متمدد باشد هر یک از آنها حق پژوهش دارند:

- ۱ - حکم حجر
  - ۲ - حکم بقاء حجر
  - ۳ - رفع حجر
  - ۴ - رد درخواست حجر
  - ۵ - رد درخواست بقاء حجر
  - ۶ - رد درخواست رفع حجر
- ماده ۶۷ - تصب قیم در صورتیکه قیم در دادگاه حاضر باشد حضوراً یا با اعلام و اگر در دادگاه حاضر نباشد باید فوراً با ابلاغ کرد.

ماده ۶۸ - قیم باید در ظرف سه روز پس از ابلاغ برانابت مسافت قبول یا عدم قبول قیومت را پادادستان اطلاع دهد و اگر در این مدت قبول خود را اطلاع نداد یا قیومت را قبول نکرد داستان دادگاه را برای تعیین شخص دیگری

بسیست قیومت مطلع میکند.

و هر گاه قبل از تعیین قیم جدید شخصی که قبلاً بقیومت معین شده قبول قیومت را بدادستان اطلاع دهد شخص دیگری معین نموده شد.

۶۹ ماده - دادگاه در تمام امور تصمیمات خود را بطریق عادی که مقتضی بدادستان اطلاع میدهد.

۷۰ ماده - اثر حجر از تاریخ حکم مترتب میشود لیکن اگر ثابت شود که علت حجر قبل از تاریخ حکم حجر وجود داشته اثر حجر از تاریخ وجود علت حجر مترتب میشود.

۷۱ ماده - در مواردیکه علت حجر بعد از رشد حادث شده باشد دادگاه باید ابتداءً تاریخ حجر را برای معلوم شده است در حکم خود قید نماید.

۷۲ ماده - حجر با رفع حجر مانع نیست که اگر اهلیت یا عدم اهلیت یکی از متعاملین در دادگاهی قبل از حکم حجر را بعد از رفع حجر ثابت شود دادگاه بآنچه تردید ثابت شده است ترتیب اثر دهد.

۷۳ ماده - در صورتیکه مجبور ولی یا وصی داشته باشد دادستان و دادگاه حق دخالت در اداره امور او ندارند و فقط دادرس بعد از رسیدگی لازم میتواند وسایط و وسر را تصدیق نماید.

فصل سوم - اختیارات و مسئولیت قیم

۷۴ ماده - قیم از تاریخی که سمت قیومت یاز اطلاع داده میشود شروع بدامان قیومت خواهد نمود.

۷۵ ماده - هر گاه قیم پس از تاریخ نسب و قبل از ابلاغ یاو عملی بعنوان قیومت نسبت به مجبور کرده باشد نافذ است.

۷۶ ماده - قیم در سیاهه اموال مجبور که در ابتداء دخالت خود تنظیم میکند باید بر گهائی چهاراد و استاد دیون و استاد اموال و تمام بر گهائی که دارای اهمیت است ذکر نماید و بر گهائی که بقاء و اهمیتی ندارد هر نوعی از آنها را طایفه بابکنی و عدد بر گها را در سیاهه دارائی قید کند.

۷۷ ماده - قیم باید اجرت کسب کرده برای حفظ اموال از طرف دادستان یا دادرس معین شده است از مال مجبور بپردازد.

۷۸ ماده - قیم میتواند هزینه تهیه صورت حساب و تسلیم اموال را اگر از اموال مجبور برداشته است پس از زوال سمت خود از مجبوری که رفع حجر از او شده یا کسیکه بجای او سمت قیومت متصرف شده است مطالبه نماید.

۷۹ ماده - قیم باید در ترتیب و اصلاح سال مجبور مسی و اهتمام نماید در امور او رعایت و مصلحت را بنماید.

۸۰ ماده - قیم باید اموال متابع شدنی مجبور را بفرود و از پول آن با رعایت مصلحت مجبور مالی خریداری و یا به ترتیب دیگری که مصلحت باشد رفتار نماید.

۸۱ ماده - قیم میتواند با رعایت مصلحت اموال مقوله ای که مورد احتیاج مجبور نیست فروخته و نسبت به پول آن مطابق ماده فوق عمل نماید.

۸۲ ماده - قیم باید هزینه زندگانی مجبور و اشخاص واجب التلقه او و همچنین هزینه معالجه آنها را در بیدارستان و غیره و هزینه لازم دیگر از قبیل هزینه ترتیب اطعام مجبور را بپردازد و اگر مجبور دیوانه باشد باید بحسب اقتضای در خانه یا بیمارستان تحت معالجه قرار داده شود.

۸۳ ماده - اموال غیر منقول مجبور فروخته نخواهد شد مگر با رعایت غبطه او و تصویب دادستان.

۸۴ ماده - استاد و اشباه قیمتی باید با اطلاع دادستان در عمل امنی نگاهداری شود و وجه نقدی که عمل احتیاج نیست باید در یکی از بانکهای معین گذاشته شود.

۸۵ ماده - ولی یا قیم میتواند در صورتیکه مقتضی باشد بمجبور اجازه اشتغال بکار یا پیشه ای بدهد و در این صورت اجازه نام برده شامل اترام آن کار یا پیشه هم خواهد بود.

۸۶ ماده - مجبور بجز میتواند اموال و مناسی را که بوسی خود او حاصل شده است باذن ولی یا قیم اداره نماید.

۸۷ ماده - قیم باید بعد از رفع حجر اموال مجبور را بتصرف او بدهد و اگر در مدت حجر سمت قیومت از قیم سلب و بجای او شخص دیگری معین شد اموال را بتصرف قیم بمانی بدهد.

۸۸ ماده - در صورتیکه بزرگ ازدواج مجبور با لازم بداد قیم یا اجازه دادستان میتواند برای مجبور ازدواج نماید و هر گاه مطلق زوجه مجبور لازم باشد به پیشنهاد دادستان و تصویب دادگاه قیم مطلق میدهد.

۸۹ ماده - در صورت فوت قیم ورثه کثیر او اگر باشند مکلف هستند بدادستان اطلاع دهند و مادام که قیم جدید معین نشده حفظ نظارت در اموال متصرف و مجازین و اشخاص غیر رشید که قیم آنها فوت شده بعهده دادستان خواهد بود.

۹۰ ماده - وجه و زانه از احتیاج معین را قیم در صورت امکان نباید بدهد - سود بگذارد و اگر بیش از شش ماه بدون سود گذاشت مسئول تأدی خسارت میزان خسارت تأخیر تأدی خواهد بود.

۹۱ ماده - در صورتیکه پس از تعیین قیم مورث مجبور فوت نماید قیم مکلف است در ظرف ده روز درخواست مهر و موم و تحریر ترکه متوفی را بنماید.

۹۲ ماده - بعد از زوال قیومت قیم مسئول حفظ اموال مجبور است بتصرف شخصی که باید تصرف نماید بدهد.

۹۳ ماده - هر گاه قیم در طول مجبور بسود خود تصرف نماید از تاریخ تصرف مسئول خسارت تأخیر تأدییه میباشد.

۹۴ ماده - در صورتیکه قیم متعهد بوده و با شرکت یکدیگر در اموال مجبور نمادی یا تفریط نمائند هر یک از آنها مسئولیت تنهائی دارند. و اگر بیضی از قیوم بدو شرکت دیگران نمادی یا تفریط در اموال مجبور نمائند مسئولیت متوجه بکسی خواهد بود که نمادی یا تفریط کرده است.

۹۵ ماده - هزینه حفظ و اداره اموال مجبور و هزینه ایسکه برای رسیدگی یا امور مجبور و انجام وظایف قیومت لازم میشود از اموال مجبور تأدییه میگردد.

فصل چهارم - عزل قیم

۹۶ ماده - مجبور بجز میتواند از قیم برای ندان هزینه و کوهائی او در ترتیب و نگاهداری خود ذکات نماید در ایمنورت هر گاه دادگاه ذکات را وارد دید دستوریکه مناسب است میدهد و قیم باید بر طبق آن دستور عمل کند. مفاد این ماده در موردی که دادستان کوهائی قیم را در ترتیب و نگاهداری مجبور و ندان هزینه او بدادگاه اطلاع بدهد اجرا خواهد شد.

۹۷ ماده - مجبور و هر ذیصلاحی میتواند بدادستان وجود سبب عزل قیم را اطلاع دهند در اینصورت اگر دادستان سبب عزل را موجود دید از دادگاه درخواست عزل قیم را مینماید.

۹۸ ماده - برای رسیدگی بدرخواست عزل قیم باید قیم و در صورت لزوم دادستان احضار شوند و حکمی که راجع ب عزل صادر میشود باید معلل و موجه باشد.

۹۹ ماده - قیم از تصدیق دادگاه راجع ب عزل خود دادستان از رد درخواست عزل قیم میتواند پژوهش بخواهند و ادعائی که تکلیف قضی معین نشده امور مقبره بوسه دادستان یا قیمی که موقتاً برای مجبور معین میشود انجام خواهد شد.



ماده ۹۰ - اعمال قیم بعد از ابلاغ حکم عزل او نافذ نیست.

ماده ۹۱ - در مورد ماده ۲۴۴ قانون مدنی اگر قیم قبل از تعیین شخص دیگری بجای او صورت حساب را فرستاده یا معلوم شد که تأخیر در فرستادن صورت حساب بواسطه عذر موجه بوده است ممکن است همان شخص را به قبولت ابقاء یا مجدداً او را به قبولت معین نمود.

ماده ۹۲ - مجبور میتواند در موارد رفع حجر اعلام خروج از قبولت خود را از دادگاه بخواهد و دادگاه پس از رسیدگی و احراز موجب رفع حجر خروج مجبور را از تحت قبولت اعلام مینماید.

باب چهارم - امور واجع بامین

ماده ۹۳ - علاوه بر مواردیکه مطابق قانون مدنی تعیین امین میشود در موارد زیر نیز امین معین خواهد شد.  
۱ - برای اداره سهم الارثی که ممکن است از ترکه متوفی به چنین تعلق گیرد در صورتی که چنین ولی یا وصی نداشته باشد.

۲ - برای اداره لومالی که بصرف عمومی اختصاص داده شده و مدبری نداشته باشد.

ماده ۹۴ - کسی که در اثر کسرین یا بسیاری وامثال آن از اداره تمام و یا بعضی اموال خود عاجز شده میتواند از دادگاه بخواهد که برای اداره اموال او امین معین شود.

ماده ۹۵ - تعیین امین برای چنین درداد که نهرستانی یا معلومی آید که قادر چنین در حوزه آن دادگاه اقامت دارد و برای کسی که عاجز از اداره لومالی خود است دادگاه شهرستانی که شخص نام برده در حوزه آن اقامت دارد و در سایر مواردی که احتیاج تعیین امین پیدا میشود دادگاه شهرستانی صالح است که در حوزه آن دادگاه احتیاج به تعیین امین حاصل شده است.

ماده ۹۶ - سایر امور مربوطه به امین یا دادگاهی است که امین را تعیین کرده است.

ماده ۹۷ - در مورد چنین دادستان و افرای چنین و در مورد معارف عمومی دادستان و هر ذی نفی میتواند از دادگاه در خواست تعیین امین نماید.

ماده ۹۸ - دادستان می تواند اختیاسی را که برای سمت امامت مناسب باشد بداد که مرفعی نبوده و دادگاه پس از احراز لزوم تعیین امین از بین اشخاص نام برده یا اشخاص دیگر که طرف اعتماد باشند يك با چند نفر را بسمت امین معین می نماید.

ماده ۹۹ - مادر چنین در صورت داشتن صلاحیت بر دیگران مقدم است و در صورت عدم صلاحیت با عدم قبول او افرای نسبی و سببی چنین بر دیگران مقدم خواهند بود.

ماده ۱۰۰ - در غیر مورد چنین پدر و جد و مادر و اولاد و زن و شوهر کسی که امین برای اداره اموال او معین میشود با داشتن صلاحیت بر ترتیب مذکور بر دیگران تقدم دارند و در صورت نبودن اشخاص مذکور سایر افرای بر دیگران مقدم هستند.

ماده ۱۰۱ - دادگاه میتواند علاوه بر امین يك یا چند نفر را بعنوان ناظر معین نماید.

ماده ۱۰۲ - در صورت تعدد امین و ناظر دادگاه باید حدود اختیارات آنها را معین نماید و نیز میتواند وظائف امضاء متعدد را تفکیک کند.

ماده ۱۰۳ - حفظ و نظارت اموال در مواردیکه محتاج به تعیین امین است مادام که امین معین نشده بعهده دادستانی است که اموال در حوزه او یافت میشود.

ماده ۱۱۴ - در خارج ایران مأمورین کسولی ایران حق دارند برای اداره اموال اربابان که محتاج به تعیین امین و وفاق در حوزه مأموریت آنها است موقتاً نسب امین نمایند و باید تا بعد دوازده روز پس از نسب امین مدارک محفل خود را بوسیله وزارت امور خارجه بوزارت دادگستری بفرستند - نسب امین نام برده وقتی قطعی میگردد که دادگاه شهرستان تهران تعیین مأمور کسولی را تعیین کند.

ماده ۱۱۵ - وظایف و اختیاراتی که بدوچاق قانون و تقاضای مربوطه در مورد وفاق دستاها در امور محتاج به تعیین امین مقررات در خارج ایران بعهده مأمورین کسولی خواهد بود.

ماده ۱۱۶ - اگر در مورد قرارداد جای منقده بین دولت ایران ودولتی که مأمور کسولی مأموریت خود را بدو گذرد آن دولت اجراء نمیکند ترتیبی برخلاف مقررات در مورد وفاق نخواهد داشت مأمورین مذکور موقتاً آن دو مدیون را بناحدیکه با مقررات عهدنامه یا قرارداد توافق بنیاد اجراء خواهند کرد.

ماده ۱۱۷ - اشخاصی که نباید بقبولت منصوب شوند بسمت امین معین نخواهند شد.

ماده ۱۱۸ - کسیکه بعنوان عییز قرارداد اموال برای او امین معین شده اگر بصری در اموال خود شهادت نماند است و امین میتواند او را ثابت نماید.

ماده ۱۱۹ - مقررات واجع بوظایف و اختیارات و مسئولیت قبل امدل امین غالب و چنین هم میشود.

ماده ۱۲۰ - سمت امینی که برای چنین معین شده است پس از تولد طفل باطل میشود و در غیر اینصورت نیز پس از ذوال سببی که موجب تعیین امین شده است سمت امین باطل خواهد شد.

ماده ۱۲۱ - مقررات واجع بزل قیم نسبت به امین هم جاری است.

ماده ۱۲۲ - امینی که برای اداره اموال مربوطه بصرف عمومی تعیین میشود باید بترتیبی که مقرر شده و موافق مصلحت اموال را اداره و در معارف مخصوصه که مقرر شده است صرف نماید.

ماده ۱۲۳ - امینی که برای اداره اموال عاجز معین میشود بمنزله وکیل عاجز است و احکام و کتب نسبت به او جاری است.

ماده ۱۲۴ - امین باید در ظرف سه روز پس از ابلاغ با رعایت مدت مهلت مذکور در آیین دادرسی مدنی قبول یا عدم قبول سمت امانت را بداد که اطلاع دهد و اگر در این مهلت قبول خود را اطلاع نداد شخص دیگری معین خواهد شد و مگر اینکه قبل از تعیین دیگری قبول سمت امانت را بداد که اطلاع دهد که در اینصورت همان شخصی بسمت امانت دادرسی خواهد ماند.

ماده ۱۲۵ - هزینه حفظ و اداره اموال بیکه برای آن امین معین شده است از اموال نامبرده برداشته خواهد شد.

باب چهارم - راجع بنائب و نفوذ الاثر

فصل اول - در صلاحیت دادگاه

ماده ۱۲۶ - امور واجع بنائب و نفوذ الاثر باید دادگاه شهرستانی است که آخرین اقامتگاه غالب در آن محل بود.

ماده ۱۲۷ - هر که آخرین اقامتگاه غالب در خارج از ایران باشد دادگاهی برای رسیدگی بامور غالب صالح است که آخرین محل سکونت غالب در حوزه آن دادگاه بود.

ماده ۱۲۸ - هر که غالب در ایران اقامتگاه یا محل سکونی داشته یا اقامتگاه و محل سکونی او در ایران معلوم نباشد دادگاه محلی برای رسیدگی بامور غالب صالح است که در آنجا غالب در آنجا اقامت یا سکونی داشته باشد.

ماده ۱۲۹ - در صورتیکه ورثه غالب دبا بر آن معلوم نباشد دادگاهی صلاح است که غالب در آنجا مال دارد.

## فصل دوم - در تعیین امین

ماده ۱۳۰ - دادستان و انجمناس ذینفع از قبیل وارث و بستانکار حق دارند از دادگاه درخواست تعیین امین برای اداره اموال غالب بنمایند.

ماده ۱۳۱ - پس از وصول درخواست تعیین امین دادگاه در محضر غیبت و اینکه غالب کسی را برای اداره اموال خود تعیین کرده است یا نه تحقیق نموده و پس از احراز غیبت و وجود شرایط ماده ۱۲۷ قانون مدنی تعیین امین مینماید. ماده ۱۳۲ - کسیکه در زمان غیبت غالب عملاً متمدی امور او باشد در موقع تعیین امین برای غالب آن شخص بردبارکننده خواهد بود.

ماده ۱۳۳ - غایبی که ثابت او مشکوک است تابع مقررات راجع به نیمه ایران است.

ماده ۱۳۴ - سایر احکام امین غالب بمطابق احکام مذکور در قانون مدنی و باب سوم این قانون است.

ماده ۱۳۵ - بدو دستور حکم موت فرضی غالب با مملوک شدن موت حقیقی بنماید. بودن غالب - موت امین قابل پیوسته.

فصل سوم - دایم اموال بطور موقت تصرف ورثه

ماده ۱۳۶ - بدار گذشتن دوسال تمام از آخرین غیر غالب ورثه او مینمایند از دادگاه درخواست کنند که دارایی

غالب تصرف آنها داده شود.

ماده ۱۳۷ - در درخواست باید کسی و مشخصات بر او درج بنماید.

۱ - نام و مشخصات درخواست کننده.

۲ - مشخصات غالب.

۳ - تاریخ غیبت.

۴ - ادله و جهاتی که بموجب آن درخواست کننده حق این درخواست را برای خود قائل است.

ماده ۱۳۸ - پس از وصول درخواست نامه دادگاه با حضور درخواست کننده و دادستان بدو لال درخواست رسیدگی مینماید و نیز راجع به اقتضا غالب و تاریخ غیبت و مملوک بودن محل او با توجه لازمه نموده و در صورت احراز صلاحیت درخواست کننده آگاهی مستشار بر درخواست نامبرده و دعوت انجمناسی که از غالب الحاضری دارند برای اظهار صلاحیت بدادگاه ترتیب میدهد.

ماده ۱۳۹ - آگاهی مذکور فوق در سه هفته متوالی هر کدام بنامه بکدام منتشر میشود و پس از یکسال از تاریخ نشر آخرین آگاهی در صورت وجود شرایط مذکور در ماده ۱۲۷ و ۱۲۶ قانون مدنی اموال غالب تصرف ورثه او داده میشود.

ماده ۱۴۰ - در صورتیکه غالب برای اداره اموال خود کسی را تعیین کرده باشد و آنکس فوت شود باجهت دیگری صلاحیتش برای اداره اموال ازین برود امین اداره اموال تعیین میگردد و اموال تصرف ورثه داده میشود تا حکم موت فرضی غالب صادر شود.

ماده ۱۴۱ - هرگاه در بین اموال غالب مال منایع شدنی باشد ورثه یا امین که اموال غالب تصرف آنها داده شده آن مال را فروخته و از نتیجه فروشی با رعایت وصیحت غالب مالی خریداری و با اقدام دیگری بکس صرفه غالب بدهد مینماید.

ماده ۱۴۲ - هرگاه از امین ورثه که اموال غالب تصرف آنها داده شده است مینماید یا اجازه دادستان اموال منقوله غالب را که مورد احتیاج نیست فروخته و از پول آن مال دیگری که موافق وصیحت غالب باشد خریداری و با اقدام دیگری که بصرفه غالب باشد بنماید.

ماده ۱۴۳ - در موردیکه اموال غالب بوجه تسلیم میشود درگاه مقرر شده باشد اموال مورد وصیت بوسی یا موسسه له داده میشود مشروط باینکه مطلق فی ماده ۱۲۶ قانون مدنی تعیین پذیرند.

ماده ۱۴۴ - ورثه ورثی و موسسه له که اموال غالب وقتاً با آنها تسلیم میشود نباید اموال را بصلوات وصیحت غالب حفظ و اداره نمایند و آنها در اداره اموال غالب بدینزه و کیل او خواهند بود.

ماده ۱۴۵ - در ورثه در تسلیم اموال بامین باورته دادگاه بدو درخواست یکی از ورثه بامین سورنی از اموال و استناد غالب تنظیم مینماید و اینصورت در وقت دادگاه با یکسانی میشود و انجمناس ذی نفع مینماید از آن رونوشت بگیرند.

ماده ۱۴۶ - در صورتیکه ورثه درخواست کنند صورت اموال با حضور دادستان تنظیم و بوسی اموال توسط کارشناس امین و در صورت اموال بی آن با قید نمود دادگاه درخواست نام برده را می پذیرد و هزینه ارزیابی از مال غالب برداشته خواهد شد.

ماده ۱۴۷ - در نفع انجمناس واجب القدره غالب و در وقت غالب از وجوه نقد یا منافع اموال او داده میشود و در صورت عدم کفایت از اموال منقوله فروخته خواهد شد و اگر اموال منقوله هم کافی نباشد از اموال غیر منقوله فروخته میشود.

ماده ۱۴۸ - در غیر مورد ماده قبل ورثه و امین حق ندارند اموال غیر منقول غالب را بفروشد یا بکارند.

ماده ۱۴۹ - در دعوی بر غالب ورثه یا امین که مال به تصرف آن ها داده شده طرف دعوی خواهند بود و همچنین ورثه یا امین حق دارند برای وصول مطالبات غالب اقدام دعوی نمایند.

ماده ۱۵۰ - در موردیکه اموال غالب به تصرف ورثه یا امین داده شده باشد دادگاه می تواند حق الزوجه مقتضای آن را در اموال اموال برای ورثه یا امین تعیین نماید - هزینه حفظ و اداره اموال غالب از اموال غالب برداشته میشود.

ماده ۱۵۱ - هرگاه بین ورثه غالب غالب بوده که محتاج به تعیین امین باشد برای او نیز امینی تعیین و سهم شخص غالب بامین سپرده میشود.

ماده ۱۵۲ - هرگاه بین ورثه غالب مجبوری باشد سهم او و ولی یا قیم یا موسسه سهرده خواهد شد.

## فصل چهارم - در حکم موت فرضی

ماده ۱۵۳ - انجمناس زیر مینماید از دادگاه درخواست صدور حکم موت فرضی غالب را بنماید:

۱ - ورثه غالب

۲ - وصی و موسسه له

ماده ۱۵۴ - در درخواست باید کسی و مشخصات بر او درج بنماید:

۱ - مشخصات غالب.

۲ - تاریخ غیبت.

۳ - دلایلی که بموجب آن درخواست کننده حق درخواست صدور حکم موت فرضی را دارد.

۴ - ادله و اسنادی که مطابق ماده ۱۲۷ و ۱۲۶ و ۱۲۵ قانون مدنی حکم است بموجب آن ادله و اسناد در درخواست حکم موت فرضی غالب را نمود.

**ماده ۱۵۵-** پس از وصول در خواست، استنامه دادگاه اظهارات و دلایل در خواست کننده را در نظر گرفته و در صورتیکه اظهارات و دلایل نایب در راجع به او موافق است، آن را به دادگاه می‌دهد و این آگاهی دوسه هفته متوالی هر کدام بخانه یکتا، منتشر می‌گردد و چنانچه رسیدگی در خواست بخانه یکتا از تاریخ نشر آخرین آگهی معین می‌گردد. مقررات این ماده در صورتی اجراء می‌شود که لیلا در زمینه درخواست تصرف اموال آگهی نشده باشد و چنانچه مطابق ماده ۱۰۲۵ قانون مدنی آگاهی شده باشد دادگاه به آن آگاهی اکتفا نمی‌نماید.

**ماده ۱۵۶-** رسیدگی با حضور در خواست کننده و دادستان بعمل می‌آید - عدم حضور در خواست کننده مانع رسیدگی نیست.

**ماده ۱۵۷-** دادگاه به اقرار هر گونه تحقیق که مقتضی بداند بنماید و پس از اجراء موجب صدور حکم موت فرضی حکم می‌دهد.

**ماده ۱۵۸-** حکم باید مشتمل بر امور زیر باشد:

۱- نام و نام خانوادگی در خواست کننده.

۲- مشخصات غالب.

۳- دلایل و مستندات حکم.

۴- تاریخ صدور حکم.

**ماده ۱۵۹-** در خواست کننده می‌تواند از رد درخواست خود و دادستان از حکم موت فرضی پژوهش بخواهد و رأی پژوهش قابل فرجام نیست.

**ماده ۱۶۰-** بعد از قطعی شدن حکم موت فرضی نامیانی که از امین باورته گرفته شده است سریع می‌شود.

**ماده ۱۶۱-** در هر بولع که موت حقیقی پانزده بولع غالب معلوم شود اقداماتی که راجع به موت فرضی او بعمل آمده است باطل خواهد شد مگر اقداماتی که برای حفظ و اداره اموال غالب شده است.

باب پنجم - در امور راجع به ترکه

فصل اول - در صلاحیت

**ماده ۱۶۲-** امور راجع بترکه عبارتست از اقداماتی که برای حفظ ترکه و رساندن آن به احیان - حقوق می‌شود از قبیل مهر و دم و ترکه و اداره ترکه و غیره.

**ماده ۱۶۳-** امور راجع بترکه با دادگاه پیشی است که آخرین امانتگاه متوفی در ایران در حوزه آن دادگاه بوده و اگر متوفی در ایران امانتگاه نداشته باشد دادگاهی است که آخرین عمل سکای متوفی در حوزه آن دادگاه بوده.

**ماده ۱۶۴-** هر گاه مالوف در ایرانش امانتگاه با عمل سکای نداشته دادگاهی صالح است که ترکه در آنجا واقع شده و اگر ترکه در جاهای مختلف باشد دادگاهی که مال غیره مقبول در حوزه آن واقع است صلاحیت خواهد داشت و اگر اموال غیر مقبول در حوزه مالوف باشد صلاحیت با دادگاهی است که قبلاً شروع به اقامت کرده.

**ماده ۱۶۵-** هر گاه تمام یا قسمتی از اموال متوفی در حوزه دادگاهی غیر از دادگاهی که مطابق مواد فوق صالح است باشد دادگاهی که اموال در حوزه آن قرار داده است اقدامات راجع به حفظ اموال متوفی را در قبض و امانت می‌گیرد و بعد از آن در صورت مجاس و رعایت خود را بدادگاهی که مطابق در ماده فوق برای رسیدگی با امور ترکه صالح است می‌فرستد.

فصل دوم - در مهر و دم

**ماده ۱۶۶-** دادگاه بخش مهر مخصوص برای مهر و دم ترکه خواهد داشت و نحوه آن باید نزد رئیس دادگاه بخش - بان باشد.

**ماده ۱۶۷-** اشخاص مذکور زیر می‌توانند در خواست مهر و دم ترکه را بنمایند:

۱- هر یک از ورثه متوفی یا نماینده قانونی آنها.

۲- موصله در صورتیکه وصیت چیزی مشاع شده باشد.

۳- طلبکار متوفی که طلب او مستند برسد رسمی یا حکم قطعی باشد بقدر طلب در صورتیکه در مقابل طلب وهن نبوده و ترتیب دیگری هم برای تأمین طلب نشده باشد.

۴- کسیکه از طرف متوفی بعنوان وصایت معین شده باشد.

**ماده ۱۶۸-** دادگاه بخش در موارد زیر پس از اطلاع اقدام به مهر و دم می‌نماید.

۱- در موردی که کسی در خانه استیجاری یا مهمانخانه و امثال آن فوت شده و کسی برای حفظ اموال او ایستاد.

۲- در صورتیکه از اموال دولتی یا عمومی ترکه متوفی امانت باشد.

در مورد شی اول این ماده مالک خانه یا مدیر مهمانخانه و امثال آنها مکلفند بدادگاه بخش اطلاع بدهند.

**ماده ۱۶۹-** در مورد شی ۲ ماده فوق مهر و دم فقط نسبت به اموال دولتی یا عمومی که ترکه متوفی امانت بوده است بعمل می‌آید مگر اینکه اشخاص صلاحیت دار درخواست مهر و دم نسبت به بقیه اموال را بنمایند.

**ماده ۱۷۰-** در صورتیکه قبل از حضور دادرس دادگاه بخش در محل ترکه اقدام فوری برای حفظ ترکه لازم باشد اقدام مزبور بوسیله دادستان و در جایگاهی دادستان بنماید بوسیله کلانتری محل و اگر مأمورین شهرتانی نباشند بوسیله دهیاران یا حضور دو نفر متعهد عملی بعمل می‌آید و در مورد مداخله دهیاران دادستان می‌تواند در خزدهستان که مقتضی بداند دهیاران از مداخله منع کرده و صاحب دفتر رسمی یا یسکزی از مأمورین دولتی یا دو نفر متعهد عملی را متنقلاً با انجام اشکال مأمور نماید مأمورین نامبرده مراتب را در صورت مجلس نوشته و آرا بدادگاه بخش می‌فرستد.

**ماده ۱۷۱-** در مهر و دمی که از طرف مأمورین مذکور ماده ۱۷۰ قبل ترکه مهر و دم میشود مأمورین نامبرده کلید انقلاهی را که روی آن مهر و دم خورده است در پاکت با لفاظی مهر و دم نموده و بدادگاه بخش می‌فرستد.

**ماده ۱۷۲-** در صورتیکه بین ورثه محسوری باشد که ولی یا وصی یا قیم نداشته باشد دادرس باید پس از مهر و دم مراتب را به دادستان اطلاع دهد که جهت تعیین قیم اقدام نماید.

**ماده ۱۷۳-** در صورتیکه بین ورثه غائبی باشد که برای اداره اموال خود نماینده نداشته باشد اگر عمل غالب معلوم است دادرس مهر و دم ترکه را با اطلاع بدهد و اگر عمل غالب معلوم نباشد بدادستان اطلاع خواهد داد که در صورت اقتضا جهت تعیین امین برای او اقدام کند.

**ماده ۱۷۴-** رئیس دادگاه در مواردیکه باید انعام به مهر و دم شود فوراً باید خود یا بوسیله کارمند علی البدل اقدام به مهر و دم نماید و اگر عملی موجب تأخیر این اقدام گردد علت مذکور را در صورت مجلس می‌نویسد.

**ماده ۱۷۵-** وقت مهر و دم را دادگاه به اشتباه که ذریع بداند اطلاع بدهد ولی نباید این امر موجب تأخیر مهر و دم شود.

**ماده ۱۷۶-** در بولع مهر و دم صورت مجلسی مشتمل بر امروز بر تنظیم می‌شود:

۱ - تاریخ سال و ماه و روز و ساعتی که اقدام بهر موم شده است.

۲ - نام و مشخصات کسیکه پیشا مهر موم است.

۳ - علقی که موجب بهر موم شده است.

۴ - نام و مشخصات محل اقامت کسیکه درخواست مهر موم نموده و اگر دادرس بنظر خود اقدام بهر موم کرده باشد این نکته را در صورت مجلس بنویسد.

۵ - نام و مشخصات اطهارات اشخاص ذینفع که در موقع مهر موم حاضر بوده اند.

۶ - تعیین جایگاهی که در آنجا مهر موم شده از قبیل اطاق - صندوقه و کجبه.

۷ - وصف اجالی از اشیائیکه مهر موم نشده است.

۸ - اموال در محل خود مهر موم شده است یا محل آن تغییر داده شده.

۹ - نگاهبان در صورتیکه موم شده باشد یا اگر اینک نگاهبان را دادرس مستقلا معین کرده یا بر حسب معرفی اشخاص ذینفع.

۱۰ - اطهار کتبی و صریح یا بقره التزام از کلیه اشخاصیکه با متوفی در یکجا زندگی کرده و یا اموال در تصرف آنها بوده بشرط اینکه چیزی از اموال متوفی را خارج یا غنمی نکرده و مطلع نباشند که دیگری بطور مستقیم یا غیر مستقیم اموال متوفی را برده یا غنمی کرده است.

ماده ۱۷۷ - صورت مجلس مذکور فوق باید با امضاء کسیکه پیشا مهر موم است و اشخاص ذینفع برسد و در صورتیکه اشخاص ضروری نخواستند امضاء کنند مراتب در صورت مجلس ذکر میشود.

ماده ۱۷۸ - تکلیف نگاهبانیکه روی آن مهر موم شده در دادگاه بخش یا بگانی و این امر در صورت مجلس قید میشود.

ماده ۱۷۹ - نسبت با اموالیکه مهر موم آن ممکن نیست صورت اجالی از آن برداشته شده و در صورت لزوم نگاهبانی بر آن بیکبارند.

ماده ۱۸۰ - در صورتیکه از اموال دولتی یا عمومی نزد متوفی امانت باشد اموال نام برده در همان محلی که متوفی گذارده است مهر موم خواهد شد مگر اینکه موجب بی تغییر محل باشد.

ماده ۱۸۱ - هرگاه در حین بهر موم ترکه وصیت نامه یا برگهای دیگری پیدا شود که در تلفاتی مهر موم شده باشد دادرس مشخصات اوراق و چگونگی بهر موم و عنوانیکه روی آن نوشته شده و نشانی روی لفاف را در صورت مجلس نوشته دادرس و حاضرین اگر معروف باشند و بتوانند امانت کنند امضاء بنمایند و اگر امتناع از امضاء نمایند امتناع آنها از امضاء نوشته میشود.

ماده ۱۸۲ - لفاف مذکور در ماده فوق بدادگاهی که برای رسیدگی به امور ترکه صالح است فرستاده میشود.

ماده ۱۸۳ - اگر از عنوان روی لفاف یا علائم دیگری معلوم شود که بر گها متعلق بنی متوفی است دادرس بر گها را با صاحبان آن رد نموده و رسید دریافت بنمایند و مشخصات آنرا در صورت مجلس بنویسند و اگر صاحبان بر گها حاضر نباشند آنرا نامین می نمایند تا صاحبان آنها مطالبه نمایند.

حکم این ماده در مورد جاری است که مراضی نماید و الا مطابق ماده قبل رفتار خواهد شد.

ماده ۱۸۴ - هرگاه وصیت نامه در تلفاتی نباشد دادرس اوصاف آنرا در صورت مجلس نوشته آنرا بدادگاهی که برای رسیدگی باور ترکه صالح است میفرستد.

ماده ۱۸۵ - دادگاهی که لفاف مذکور در مواد فوق آنجا فرستاده شده است آنرا باز میگرد و در صورتیکه بر گها

جزو ترکه باشد امانت نگاه میدارد والا اگر صاحب آن حاضر باشد آنها داده میشود و اگر حاضر نیستند محفوظ میباشد تا صاحبان آن حاضر شوند و اگر معلوم نباشد که بر گها متعلق به کیست بر گها در دادگاه بمانند تا صاحب آن معلوم شود.

ماده ۱۸۶ - اگر بپادرس در ضمن عملیات بهر موم املاهی راجع بوجود وصیتنامه داده شود دادرس جستجو نموده و چنانچه وصیتنامه موجود باشد بترتیب مذکور در ماده ۱۸۴ عمل میکند.

ماده ۱۸۷ - در مواردیکه وصیت نامه معتبری بنظر دادرس برسد که آن وصیت نامه مشتمل بر امور فوری باشد دادرس اجازه میدهد که امور مذکور انجام داده شود.

ماده ۱۸۸ - در موقع بهر موم باید داشتن مهر موم اشیا یا نوشتجاتی که داخل دفتر ترکه نبوده و متعلق بزین یا شوهر متوفی یا متعلق بنییر باشد یا صاحبان آنها رد و مشخصات اشیا نام برده در صورت مجلس نوشته میشود.

ماده ۱۸۹ - آن مقدار از اوقات البیت و غیره که برای زندگانی عیال و اولاد متوفی ضرورت دارد و همچنین اشیائیکه قابل بهر موم نیست بهر موم نمیشود و اشیا ضروری در صورت مجلس توصیف میگردد.

ماده ۱۹۰ - هزینه بایرایی که قن و دفن متوفی یا رعایت شئون اولاد و ضروریات است از جوه نقد برداشته میشود و اگر وجه نقد نباشد از ترکه برداشته و بفروش میرسد و بقیه بهر موم خواهد شد.

ماده ۱۹۱ - در صورتیکه متوفی مالی نداشته یا مال قابل بهر موم نباشد دادرس صورت مجلس تنظیم نموده و این مطلب را در آن قید بنماید.

ماده ۱۹۲ - بعد از تحریر ترکه درخواست بهر موم پذیرفته نمیشود و اگر در اثناء تحریر ترکه درخواست بهر موم بشود فقط آن مقداریکه تحریر شده است مهر موم میگردد.

ماده ۱۹۳ - اشیا تابع شدنی یا اشیائیکه نگاهداری آنها مستلزم هزینه بی تناسب است یا اموال کم قیمتی که محل و نقل و نگاهداری آنها مستلزم زحمت و اشغال مکان وسیعی است ممکن است مهر موم نشود و در این صورت اگر اشیا نام برده مورد احتیاج اشخاص واجب الفقه نباشد فروخته شده و پول آن در صندوق دادگستری یا یکی از بانکهای معتبره تودیع میشود.

### فصل سوم - در برداشتن مهر موم

ماده ۱۹۴ - کسیکه حق درخواست بهر موم ترکه را دارد میتواند رفع بهر موم را هم درخواست نماید.

ماده ۱۹۵ - درخواست برداشتن مهر موم از دادگاه بخشی میشود که برای رسیدگی باور ترکه صالح است و هرگاه ترکه در حوزه دادگاه بخش دیگری باشد دادگاه بخش محل وجود ترکه بدستور دادگاه مذکور اقدام بر رفع مهر موم نمینماید و صورت مجلس مربوط باین عمل را بدادگاهی که بدستور برداشتن مهر موم را داده است میفرستد.

ماده ۱۹۶ - دادگاه بخشی که مهر موم را بر میدارد روز و ساعت برداشتن مهر موم را معین و بدو مروت و وصی و موصی لهم که معروف و محل اقامت آنها در حوزه آن دادگاه بخش باشد ابلاغ بنمایند.

ماده ۱۹۷ - نسبت به اشخاص ذینفع که محل اقامت آنها خارج از حوزه دادگاه بخش باشد ابلاغ وقت آنها لازم نیست و اگر وقت به اشخاص مذکور اطلاع داده نشود دادگاه بجای آنها متعددی دفتر رسمی یا بکنفران ازمعتمدین محل

را معین و اورا دعوت میکند که با حضور او مهر موم برداشته شود.

ماده ۱۹۸ - عدم حضور اشخاصی که وقت برداشتن مهر و موم بانها اطلاع داده شده مانع از برداشتن مهر و موم نخواهد بود .

ماده ۱۹۹ - در صورتیکه بین ورثه غالب یا معجور باشد رفع مهر و موم بعد از تعیین و کیل با امین برای غالب و تعیین قیم برای معجور مهمل خواهد آمد .

ماده ۲۰۰ - دادرسی دادگاه بخش میباید در برداشتن مهر و موم را خود انجام دهد یا بکارمند علی‌البدل رجوع نماید .

ماده ۲۰۱ - در موقع برداشتن مهر و موم صورت مجلسی مشتمل بر امروم زیر تنظیم میشود .

۱ - تاریخ ساعت - روز - ماه - سال با تمام حروف .

۲ - نام و مشخصات درخواست کننده .

۳ - حضور و اظهارات اشخاص ذیع و نمایندگان آنها و اشخاصیکه دادگاه بخش دعوت کرده است .

۴ - مهر و موم صحیح و بی عیب بوده یا دست خورده یا توصیف کامل از دست خوردگی .

۵ - نام و سمت کسیکه مهر و موم را بر میدارد .

۶ - امضاء کسیکه مهر و موم را بر میدارد و سایر حاضرین .

ماده ۲۰۲ - در موقع برداشتن مهر و موم صورت ریز آنچه از ترکه مهر و موم شده مطابق ترتیب مذکور در تحریر ترکه برداشته خواهد شد و اگر تنظیم صورت ریز ترکه در یک جلسه تمام نشود در آخر هر جلسه اقسامی از ترکه که مهر و موم آن برداشته شده مجزاً با مهر و موم میشود .

ماده ۲۰۳ - اگر در ضمن ترکه اشیاء یا نوشتجات را دارد رد شود و هرگاه صاحبان اشیاء و نوشتجات حاضر نباشند اشیاء و نوشتجات نام برده حفظ میشود تا صاحبان آنها رد شود .

ماده ۲۰۴ - در موارد زیر مهر و موم بدون تنظیم صورت ریز ترکه برداشته می شود .

۱ - در صورتیکه درخواست کننده مهر و موم درخواست رفع مهر و موم را بدون تنظیم صورت ریز ترکه نماید و بین ورثه معجور یا غالب و علت دیگری برای مهر و موم یا تحریر ترکه نباشد .

۲ - در صورتیکه مهر و موم بندخواستستانکار مهمل آمده و ورثه پرداخت طلب او را تمهید نمایند یا ستانکار یا برداشتن مهر و موم بدون تنظیم صورت ریز ترکه رضایت دهد و علت دیگری برای مهر و موم یا تحریر ترکه نباشد .

۳ - اگر علت مهر و موم قبل از برداشتن مهر و موم یا در جریان آن مرتفع شود .

ماده ۲۰۵ - هرگاه بین ورثه غالب یا معجور باشد و همچنین در صورتیکه وارث متوفی معلوم نباشد در موقع برداشتن مهر و موم ترکه باید تحریر شود .

### فصل چهارم - در تحریر ترکه

ماده ۲۰۶ - مقصود از تحریر ترکه تعیین مقدار ترکه و دیون متوفی است .

ماده ۲۰۷ - درخواست تحریر ترکه از ورثه یا نماینده قانونی آنها ووصی برای اداره اموال پذیرفته میشود .

ماده ۲۰۸ - امین غالب و قیم معجور باید در ظرف ده روز از تاریخ تعیین ابلاغ سمت نایب‌ده بانها در صورتیکه ترکه تحریر نشده باشد درخواست تحریر ترکه نماید .

ماده ۲۰۹ - در صورتیکه سهم معجور از ترکه متوفی قبل از تعیین قیم معین نشده باشد قیم باید بمحض انتصاب

خود درخواست تحریر ترکه نماید و همچنین است در صورتیکه پسر از تعیین قیم سهمی از ترکه متوفی بمعجور برسد .

ماده ۲۱۰ - حداکاه بخش برای تحریر ترکه وقتی واکه کمتر از یکماه و بیش از سه ماه از تاریخ نشر آگهی نباشد معین کرده و دریکه از روزنامه های کلیه استانها آگهی میدهد که ورثه یا نماینده قانونی آنها بستانکاران و مدیونین متوفی و کسان دیگری که سقیر ترکه متوفی دارند در ساعت و روز معین در دادگاه برای تحریر ترکه حاضر شوند .

علاوه بر آگهی فوق‌الذکر هر یک از ورثه یا نماینده قانونی آنها ووصی و موصی له اگر معین و در حوزه دادگاه مقیم باشد برای حضور در وقت مقرر اجتناب فرستاده میشود .

ماده ۲۱۱ - هرگاه میزان ترکه کمتر از یکهزار ریال باشد آگهی مذکور در ماده فوق لازم نیست و دادگاه وقتی را برای تحریر ترکه معین کرده و مشخص ذیع که معلوم و در حوزه دادگاه مقیم باشد اطلاع میدهد .

ماده ۲۱۲ - غیبت اشخاصی که احضار شده اذاع از تحریر ترکه نخواهد بود

ماده ۲۱۳ - برای تحریر ترکه صورتی از ترکه برداشته میشود و این صورت باید مشتمل بر امروم زیر باشد :

۱ - توصیف اموال منقول با تعیین بهای آن .

۲ - تعیین اوصاف و وزن و عیار نقره و طلا آلات .

۳ - مبلغ و نوع قفله .

۴ - بهاء و نوع برکهای چهارار .

۵ - اسناد یا ذکر خصوصیات آنها .

۶ - نام و وقت غیر منقول .

ماده ۲۱۴ - ارزشیابی اموال منقول بتوسط ارزشیابی که مورد تراضی ورثه یا مورد اعتماد دادسرا باشد مهمل می‌آید .

ماده ۲۱۵ - مطالبات و بدهی متوفی که بموجب احکام نهائی و اسناد رسمی یا دفاتر ویرکهای مربوط به متوفی یا اقرار مدیونین و ورثه مسلم است نیز در صورت ترکه نوشته میشود .

ماده ۲۱۶ - در موقع تحریر ترکه صورت مجلسی برداشته میشود که مشتمل بر امروم زیر باشد :

۱ - نام و سمت متصدی تحریر ترکه .

۲ - نام و مشخصات کسیکه احضار شده و کسانیکه حاضر شده اند .

۳ - محل که تحریر ترکه در آنها صورت میگردد .

۴ - اظهارات اشخاص راجع به دارائی و بدهی و ترکه متوفی .

۵ - نام و مشخصات کسیکه اسناد را اموال پل داده میشود .

ماده ۲۱۷ - اگر در ضمن ترکه دفاتر بازگاری باشد جماعی سفید آن با دو خط متقاطع پر میشود و اگر دفاتر مطابق قانون پلید نشده باشند متصدی تحریر ترکه صفحات دفتر را امضاء مینماید و اگر بین صفحها هالی که نوشته شده جای سفید مانده باشد آنجا دو خط متقاطع کشیده میشود .

ماده ۲۱۸ - در دیتیکه ترکه تحریر میشود صرف دوترکه منوع است مگر تصرفاتی که برای اداره و حفظ ترکه لازم است .

ماده ۲۱۹ - عملیات اجرایی راجع به بدهی متوفی در مدت تحریر ترکه معائن میداند .

ماده ۲۲۰ - مرور زمان نسبت بمطالبات متوفی در مدت تحریر ترکه جاری نمیشود

ماده ۲۲۱ - دعاری واجبه بترکه یا بدهی متوفی در مدت تحریر ترکه توقیف میشود ولی بدرخواست مدعی

ممکن است خواسته نامیز شود.

ماده ۲۲۳ - صورتی که وجهین صورت مجلس تحریرتر که دو دفتر دادگاه بایگانی میشود و اشخاص ذینفع میتوانند بآن مراجعه نموده و رونوشت بگیرند.

ماده ۲۲۴ - هرگاه در موقع تحریر که اختلاف بین ورثه واجبه به اداره تر که باشد دادگامی میکند که اختلاف آنها بطریق مسالمت مرتفع شود و الا بدخواست یکی از ورثه کسی را از ورثه باغیر آنها برای حفظ تر که موقتا مینماید.

ماده ۲۲۴ - خانه تحریر تر که بوقت اطلاع داده میشود و هرگاه ورثه یا ائمه آنها معین نباشد اطلاع مزبور بوسیله آگهی در روزنامه خواهد شد.

## فصل پنجم - در خصوص دیون متوفی

## مبحث اول - استیفاء دین از تر که

ماده ۲۲۵ - دیون و حقوقی که بعهده متوفی است بعد از مرگ کفایت و تجهیز متوفی و سایر هزینه های ضروری از قبیل هزینه حفظ و اداره تر که باید از تر که داده شود.

ماده ۲۲۶ - ورثه ملزم نیستند غیر از تر که چیزی به بستانکاران بدهند و اگر تر که برای اداء نام دیون کافی نباشد تر که مابین بستانکاران نسبت طلب آنها تقسیم میشود مگر اینکه آنرا بدون شرط قبول کرده باشند که در اینصورت مطابق ماده ۱۶۶ مندرج خواهد بود.

در موقع تقسیم دیونی که به موجب قوانین دارای حق تقدم و رجحان هستند رعایت خواهد شد بستانکاران ذر هر یک بر ترتیب حق تقدم بر دیگران دارند:

## طبقه اول

الف - حقوق خدعه خانه برای مدت سال آخر قبل از فوت.

ب - حقوق خدمتگذاران بنگاه متوفی برای مدت شش ماه قبل از فوت.

ج - دستمزد کارگرانی که روزانه یا هفتگی مزد بگیرند برای مدت سه ماه قبل از فوت.

## طبقه دوم

طلب اشخاصی که مال آنها بیونان ولایت یا قیومت تحت اداره متوفی بوده نسبت به بزرانی که متوفی از جهة ولایت و یا قیومت بدیون شده است.

این نوع طلب در صورتی دارای حق تقدم خواهد بود که موت در دوره قیومت یا ولایت و یا در ظرف یکسال بعد از آن واقع شده باشد.

## طبقه سوم

طلب پزشک و دارو فروش و مطالباتی که بهسرف مدالوای متوفی و خانواده اش در ظرف سال قبل از فوت رسیده است.

## طبقه چهارم

الف - نفقه زن مطابق ماده ۱۲۶ قانون مدنی.

ب - مهریه زن تا میزان ده هزار ریال.

سایر بستانکاران.

ماده ۲۲۷ - اگر چیزی از تر که در مقابل دینی رهن باشد مرتبه نسبت به سایر بستانکاران مقدم است

و اگر بقیه مال مرهون از طلب مرتبه زاید باشد بقدر زاید مابین بستانکاران تقسیم میشود و اگر کمتر باشد مرتبه نسبت به بقیه طلب خود مانند سایر بستانکاران خواهد بود.

ماده ۲۲۸ - ورثه میتوانند دیون را از تر که بازال خود اداء نمایند.

ماده ۲۲۹ - تصرفات ورثه در تر که از قبیل فروش و صلح و هبه و غیره نافذ نیست مگر بعد از اجازه بستانکاران و یا اداء دیون.

ماده ۲۳۰ - ورثه در مقابل بستانکاران ضامن نقص طلب تر که نیستند مگر اینکه نقص یا تلف مستند بقضیه آنها باشد.

ماده ۲۳۱ - دیون مؤجل متوفی بعد از فوت حال میشود.

ماده ۲۳۲ - دعوی بر بیت اعم از دین یاجین باید بطرفیت ورثه و یا نماینده قانونی آنها اقامه شود هر چند تر که در بد وارث نباشد لیکن مابانگه تر که بدست آنها نرسیده است و مندرج اداء دیون نخواهند بود.

ماده ۲۳۳ - اثبات دعوی بطرفیت بعضی از ورثه نسبت بههم همان بعضی مؤثر است و وارث دیگر که طرف دعوی نبوده میتوانند بر حکمی که بطرفیت بعضی از ورثه صادر شده اعتراض نمایند.

ماده ۲۳۴ - ورثه میتوانند برای اثبات طلب یا حق برای متوفی اقامه دعوی کنند هر چند بعد از فوت حق چیزی عاید آنها نشود مگر اینکه دین متوفی مستغرق تر که او باشد.

ماده ۲۳۵ - بستانکار از متوفی نیز در صورتیکه تر که بقدر کافی برای اداء دین در بد ورثه نباشد میتوانند بر کسیکه او را بدیون متوفی میداند یا مدعی است که مالی از تر که متوفی در بد اوست اقامه دعوی کند.

ماده ۲۳۶ - در مورد ماده قبل اگر طلب از متوفی بمرکز نباشد مدعی باید طلب خود را از متوفی بطرفیت ورثه اثبات و پس از آن دعوی خود را بر کسیکه مدیون متوفی یا مالی از متوفی نزد او میداند اقامه کند و بتواند بر هر دو در یک دادخواست اقامه دعوی نماید.

ماده ۲۳۷ - در مواردی که برای اداء دیون متوفی وصی معین شده است اثبات دین بطرفیت وصی و ورثه خواهد شد.

ماده ۲۳۸ - در مورد تر که متوفی بلا وارث که بدیور تر که معین میشود اثبات دین بطرفیت بدیور تر که میگردد.

ماده ۲۳۹ - در دعوی واجبه بین طرف دعوی کسی است که عین در دست اوست خواه وارث باشد یا غیر وارث مگر اینکه آنکس بقره عین جزو تر که است که در اینصورت مدعی باید برای اثبات اداء خود بر تمام ورثه اقامه دعوی نماید.

ماده ۲۴۰ - ورثه متوفی میتوانند تر که از قبول کرده که دیون متوفی و بپردازند یا تر که را و کفار ورد کنند که به بستانکاران داده شود و نیز میتوانند قبول یا رد خود را منوط بر تحریر تر که نمایند و پس از تحریر تر که دیون و تر که را مطابق صورت تحریر قبول یا رد نمایند و یا تصفیه تر که را از دادگاه بخواهند.

ماده ۲۴۱ - قلم مجبور و مابین غایب نمیتواند تر که بدیون را بطور مطلق قبول نماید ولی میتوانند مطابق صورت تحریر تر که قبول کنند.

## (مبحث دوم - قبول تر که)

ماده ۲۴۲ - قبول تر که ممکن است صریح باشد یا ضمنی.

قبول صریح آن است که به موجب سند رسمی یا بعد از قبول خود را بدادگاه اطلاع بدهند.

قبول ضمنی آن است که عملیات درتر که نمایندگ کائف ازقبول تر که واداء، دیون باشد از قبیل بیع و صلح و هبه و رهن و امثال آن که بطور واضح کشف از قبول تر که نماید.

۲۴۴ ماده - حفظ تر که و جمع آوری درآمد و وصول مطالبات و بطور کلی اقدامات راجع باداره تر که کائف از قبول آن نتواند بود.

۲۴۵ ماده - اگر چیزی ازتر که در معرض تلف بوده یا حفظ آن محتاج بهزینه ای باشد که متناسب با بهای آن نیست وارت میتواند آنرا بفروشد واین عمل قبول ضمنی تر که محسوب نمیشود.

و همچنین در صورتیکه برای هزینه کفن و دفن میت و هزینه ضروری دیگر فروش قسمتی از تر که لازم باشد این عمل قبول ضمنی تر که محسوب نیست.

۲۴۶ ماده - اگر وارثی قبل از قبول یا رد تر که فوت کند ورثه آن وارث بجای او میشوند تر که را قبول یا رد نمایند.

۲۴۷ ماده - هرگاه بعضی از ورثه تر که را قبول و بعضی رد نمایند تر که باید تحریر شود و بعد از تحریر هم میتواند قبول یا رد نماید.

۲۴۸ ماده - وارثی تر که تر که را قبول کرده است مادامی که تصرف درتر که نکرده میتواند رد نماید.

۲۴۹ ماده - در صورتیکه ورثه تر که را قبول نمایند هر یک - متولدند، نام دیون به نسبت سهم خود خواهند بود مگر اینکه ثابت کنند دیون متوفی را بد تر که بوده یا ثابت کنند که پس از فوت متوفی تر که بدو تنفسی آنها تلف شده و باینکه تر که برای پرداخت دیون کافی نیست که در اینصورت نسبت برآند از تر که مسئول نخواهد بود.

### مبحث سوم - رد تر که

۲۴۹ ماده - وارثی تر که تر که را رد میکند باید کتباً یا شفاهاً بدادگاه اطلاع بدهد اطلاع مزبور در دفتر خصوصی ثبت خواهد شد این رد نباید معنی یا مشروط باشد.

۲۵۰ ماده - رد تر که باید در مدت یکساله از تاریخ اطلاع وارث فوت مورث بعمل آید اگر در مدت تأخیر مرد تر که بعمل نیاید در حکم قبول و مشمول ماده ۲۴۸ خواهد بود.

۲۵۱ ماده - در صورتیکه تر که تحریر شده باشد، مذکور فوق از تاریخ اطلاع خانه، تحریر تر که بوارث شروع میشود.

۲۵۲ ماده - اگر وارثی قبل از رد تر که فوت شود حق رد ورثه او منتقل میشود.

۲۵۳ ماده - اگر وارث عذر موجهی برای عدم اظهار رد در مدت مقرر داشته باشد دادگاه میتواند مهلت مذکور را تعدیل یا بپذیرد.

۲۵۴ ماده - هرگاه نام ورثه تر که را رد نمایند در حکم تر که متوفی بلا وارث بوده و مطابق مقررات فصل هشتم این باب رفتار میشود لیکن اگر از دیون متوفی زانمی بماند مال ورثه خواهد بود.

### مبحث چهارم - قبول دیون مطابق صورت تحریر تر که

۲۵۵ ماده - در صورتیکه ورثه فقط مطابق صورت تحریر تر که تر که و دیون را قبول کنند باید در ظرف مدت یکساله از تاریخ فوت مورث این مطلب را بدادگاه بخش اطلاع دهند در اینصورت ورثه ملزمند که دیون متوفی را در حدود صورت تر که بپردازند هر چند بعد از تنظیم صورت تحریر تر که ادعای طلب شده باشد.

۲۵۶ ماده - اطلاع مذکور فوق در صورتی مؤثر است که قبلاً تر که تحریر شده باشد یا بعداً تحریر شود.

۲۵۷ ماده - بند از تحریر تر که نیز ورثه میتواند در ظرف یک ماه از تاریخ اطلاع بختامه تحریر تر که قبول یا رد خود را اظهار نمایند و دادگاه بخش میتواند حسب اقتضا این مدت را زیاد کند.

۲۵۸ ماده - در صورتیکه بعضی از ورثه تر که را قبول کرده و بعضی رد نمایند وارثی تر که تر که را قبول کرده است اقدامات لازمه را برای اداره تر که واداء، دیون و حقوق و وصول مطالبات و غیره انجام میدهد و وارثی تر که را رد کرده است حق هیچگونه اعتراضی بعمیلت او ندارد لیکن اگر پس از تصفیه تر که چیزی از تر که بماند سهام الارث و وارثی تر که را رد کرده است باید داده خواهد شد.

در اینصورت وارثی تر که تر که را قبول کرده در ازای چیزی که برای اداره تر که در تر که نسبت بهم سایرین متحمل شده مستحق دستمزد خواهد بود؛ تشخیص میزان دستمزد در صورت عدم تراشی با دادگاه است.

۲۵۹ ماده - در صورت تحریر تر که و وارثی که در مدت مقرر قبول یا رد خود را اظهار نکرده باشد در حکم کسی است که مطابق صورت تحریر تر که دیون را قبول کرده باشد.

### (مبحث پنجم - تصفیه)

۲۶۰ ماده - مقصود از تصفیه تر که تعیین دیون و حقوق بر عهده متوفی و پرداخت آنها و خارج کردن مورد وصیت از مالک است.

۲۶۱ ماده - وصی و هر یک از ورثه میتواند از دادگاه کتباً تصفیه تر که را بخواهد.

۲۶۲ ماده - هرگاه بعضی از ورثه تر که را قبول کرده باشد سایر ورثه نمیتواند تصفیه تر که را بخواهد.

۲۶۳ ماده - دادگاه بخش پس از درخواست تصفیه متنتی تا یک هفته یک یا چند نفر را بسمت مدیر تصفیه مینماید و آنها تحت نظر دادرس امور تصفیه را انجام میدهد.

و اگر اداره تصفیه در عمل موجود باشد آنرا با اداره تأخیرده مراجعه مینماید.

اداره تصفیه میتواند یک یا چند نفر را بسمت مدیر تصفیه مینماید که تحت نظر آنها امور تصفیه را انجام دهند.

۲۶۴ ماده - در صورتیکه متوفی وصی برای اداره اموال داشته باشد امر تصفیه بوسی واکاثر میشود.

۲۶۵ ماده - شکایت از عمیلت مدیر تصفیه راجع بدادگاهی است که مدیر تصفیه امین و دادرس حسب اقتضا مورد دستور لازم بصدور تصفیه میدهد و نیز میتواند مدیر تصفیه را تغییر دهد.

۲۶۶ ماده - پس از تعیین مدیر تصفیه اموال بصدور تصفیه تسلیم می شود و در صورتی که تر که تحریر نشده باشد مطابق فصل چهارم این باب تحریر میشود.

۲۶۷ ماده - پس از تعیین حقوق و دیون متوفی و پرداخت آن و استخراج مورد وصیت اگر از تر که چیزی باقی بماند باینکه تر که به ورثه داده میشود.

۲۶۸ ماده - مدیر تصفیه باید مطالبات متوفی را وصول و از خراب و ضایع شدن اموال بیکه در معرض خرابی و تضییع است جلوگیری کرده و آنها را بفروش برساند درنگهداری اموال مواظبت نموده و تعمیرات ضروری اموال غیر مقبول را بنماید از تطهیر کارخانه و یا بنجران متوفی در صورتی که دایر باشد جلوگیری کند - در آبدتر که و معمول و جمع آوری نموده و نظر به مقتضیات انبار نماید و یا بفروش برساند مواد اولیه را که برای دایر ماندن بیکه متنتی و یا بازگشت متوفی لازم است تحصیل و بپذیرد.

ماده ۳۱۹- مدیر تصفیه کلیه اقامات کسی که برای اداره ترکه لازم است به عمل آورد ولی نباید از حدود اقدامانی که عادتاً برای انجام مأموریت او لازم بوده خارج شود.

ماده ۳۲۰- بند از تحریر ترکه مدیر تصفیه وقتی را برای رسیدگی تعیین و بپورته و بستکاران و اشخاص ذینفعی که خود را معرفی کرده اند اطلاع میدهد که در وقت معین حاضر شوند.

ماده ۳۲۱- مدیر تصفیه در وقت مفروض شروع بر رسیدگی نموده پس از رسیدگی کلیه دیون و حقوقی را که به ترکه تعلق میگیرد نادیده مینماید.

ماده ۳۲۲- بستکار کسی که در مورد مقرر برای تحریر ترکه خود را معرفی نکرده یا پس از معرفی طلب او تصدیق نشده باشد میتواند در دادگاه صلاحیت دار تا بقضای که از ترکه پورته داده شده است پروتیه اقامه دعوی نماید.

و اگر چیزی پورته نشده یا آنچه رسیده است کافی برای نایب طلب نباشد میتواند بر بستکاران ادبگیر که ترکه با آنها داده شده برای اخذ حصه غرامتی خود اقامه دعوی نماید.

ماده ۳۲۳- کسی که ادعای طلبی نموده و طلب او تصدیق نشده باشد و نیز کسی که طلب او کسر شده یا حق رهن یا حق رجحان را منظور نشده میتواند در دادگاه صلاحیت دار اقامه دعوی نماید.

ماده ۳۲۴- تصفیه ترکه متوفی در صورتیکه متوفی بازو گن باشد تابع مقررات تصفیه امور بازو گن متوقف است.

ماده ۳۲۵- فروش اموال متوفی توسط مدیر تصفیه باید بطریق مزایده باشد مگر اموالیکه دارای نرخ معینی است یا تمام اشخاص ذینفع در قیمت آن موافق باشند ترتیب مزایده در آییننامه وزارت دادگستری معین میشود.

## فصل ششم - واریج به وصیت

ماده ۳۲۶- وصیت نامه اعم از اینکه واریج باشد وصیت عهدی یا تسلیکی مقبول یا غیر مقبول ممکن است بطور رسمی یا خود نوشت یا سری تنظیم شود.

ماده ۳۲۷- ترتیب تنظیم وصیت نامه رسمی و اعتبار آن بطور است که برای اسناد تنظیم شده در دفاتر اسناد رسمی مقرر است.

ماده ۳۲۸- وصیت نامه خودنوشت در صورتی معتبر است که تمام آن بخط موصی نوشته شده و دارای تاریخ روز و ماه و سال بخط موصی بوده و باهضاه او رسیده باشد.

ماده ۳۲۹- وصیت نامه سری ممکن است بخط موصی یا بخط دیگری باشد ولی در هر صورت باید باهضاه موصی برسد و به ترتیبی که برای اسناد در قانون ثبت اسناد مقرر گردیده در اداره ثبت اسنادتکام موصی یا عمل دیگری که در آیین نامه وزارت دادگستری معین میگردد امانت گذارده میشود.

ماده ۳۳۰- کسی که سواد ندارد نمیتواند به ترتیب سری وصیت نماید.

ماده ۳۳۱- کسی که نمیتواند حرف برزند هرگاه بخواهد وصیت نامه سری تنظیم کند باید تمام وصیت نامه را بخط خود نوشته امضاء نماید و نیز در حضور مسئول دفتر موسسه روی وصیت نامه بنویسد که این گواهی وصیت نامه است و در این صورت مسئول دفتر باید روی پاکت بالائی که وصیت نامه در او است بنویسد که عبارت مزبور را موصی در حضور او نوشته است.

ماده ۳۳۲- وصیت نامه سری را موصی هم وقت میتواند به ترتیبی که برای استرداد اسناد امانتی مقرر است استرداد نماید.

ماده ۳۳۳- در موارد فوق العاده از قبیل جنگ یا خطر مرگ توری و امراض ساریه و مسافرت در دور یا که مراد

نوعاً مقطوع و باینجهت موصی نمیتواند چکی از طریق مذکور وصیت کند ممکن است وصیت ظریفی که درهواد بند ذکر میشود واقع شود.

ماده ۳۳۴- اراد و اسرارن نظامی و کسانی که در ارتش اشتغال بکاری دارند میتوانند نزدیکتر اسیر یا همردیف او یا حضور در گروا وصیت خود را شفاهاً اظهار نمایند.

ماده ۳۳۵- در صورتیکه نظامی یا کسیکه در ارتش اشتغال بکاری دارد بیماری یا مجروح باشد ممکن است وصیت خود را در حضور رئیس بهداری ارتش و مدیر بیمارستان که موصی آنجا است اظهار نماید.

ماده ۳۳۶- اشخاصی میتوانند به ترتیب مذکور در دو ماده قبل وصیت نمایند که در جنگ یا مأمور عملیات جنگی باشند و یا در محلی زندانی یا محصور باشند که مرادهای یا خارج نباشد.

ماده ۳۳۷- در سایر موارد مذکور در ماده ۲۸۲ موصی میتواند در حضور دو نفر گواهی وصیت خود را اظهار نماید و یکی از آن دو گواهی اظهارات او را با تعیین تاریخ روز و ماه و سال و محل وقوع وصیت نوشته و موصی گواهی ها آنرا امضاء مینماید و اگر موصی نتواند امضاء کند گواهی ها این نکته را در وصیت نامه قید میکند.

ماده ۳۳۸- اشخاصیکه مطلقاً ماده ۲۸۴ و ۲۸۵ وصیت نزد آنها شده و همچنین گواهی مذکور در ماده قبل در اول زمان امکان باید در اداره ثبت اسناد یا محلی که در آیین نامه وزارت دادگستری تعیین میشود حاضر شده و وصیت نامه را مطلقاً مقبولات و راجع امانت گذاردن اسناد امانت بگذارند و ضمناً اعلام کنند که این آخرین وصیت موصی است که داشتن اهلیت اظهار داشته.

ماده ۳۳۹- در صورتیکه اشخاص مذکور در ماده ۲۸۴ و ۲۸۵ اظهارات موصی را نوشته باشند در اول زمان امکان نزد دادرس دادگاه بخش که پلو در درس حاضر شده و اظهارات موصی را با تاریخ و محل وقوع وصیت اهلیت موصی شفاهاً اظهار مینماید. اظهارات مزبور در صورت مجلس نوشته شده و باهضاه دادرس دادگاه بخش گواهی میبرد.

ماده ۳۴۰- وصیتی که بمطابق مواد قبل (درهواد غیر عادی) واقع میشود بعد از گذشتن یکماه از تاریخ مراجعت و رسیدن موصی به محلی که بتواند یکی از طرق مذکور در ماده ۲۷۴ وصیت کند یا گذشتن یکماه از تاریخ باز شدن و سرخ شدن ماهی که بواسطه آن مانع نتوانسته موصی یکی از طرق مذکور وصیت نماید بی اعتبار میشود مشروط باینکه مدت نام برده موصی متذکر از وصیت باشد.

ماده ۳۴۱- هر وصیتی که بترتیب مذکور در این فصل واقع شده باشد در مراجع رسمی پذیرفته نیست مگر اینکه اشخاص ذینفع در ترکه بصحت وصیت اقرار نمایند.

ماده ۳۴۲- هر دادگاه - اداره - بنگاه یا شهرداری که وصیت نامه باو سپرده شده و نیز دادگاهی که در موارد فوق العاده وصیت در آنجا اظهار گردیده مخفی است بعد از اطلاع بقوت موصی وصیت نامه یا صورت مجلس واریج بوسیله بدادگاه بخش که برای رسیدگی با امور بپورته جتر که متوفی صالح است بفرستد اعم از اینکه وصیتنامه نام برده حسب قانون قابل ترتیب باشد یا نباشد و هر گاه وصیت نامه مقدم باشد باید تمام آنها فرستاده شود.

ماده ۳۴۳- هر گاه کسیکه وصیتنامه ترکه او است خارج از مقر دادگاه بخش مذکور فوق باشد میتواند وصیت نامه را بدادگاه محل خود تسلیم نماید و آن دادگاه مخفی است فوراً وصیت نامه را بدادگاه بخش نام برده بفرستد.

ماده ۳۴۴- دادگاه بخش در آگاهی که برای اداره یا تصفیه ترکه یا تصدیق حصر وراثت میشود قید میکند هر کس وصیت نامه ای از متوفی نزد او است در مدت سه ماه بدادگاهی که آگاهی نموده بفرستد و پس از گذشتن آن



مدت هر وصیت نامه ای ( جز وصیت نامه رسمی ) ابراز شود از درجه اعتبار ساقط است . -

**ماده ۲۹۵** - پس از گذشتن مدت مذکور فوق دادگاه بخش و تنه را برای انتفاع وصیت نامه تعیین و با شخصی که وراثت آنها مأموم است اطلاع میدهد که در وقت مزبور حاضر شوند .

**ماده ۲۹۶** - هنگام ابراز وصیت نامه دادرس دادگاه بخش باید با حضور نماینده دادستان یا مدیر دفتر صورتجلسی مشتمل بر خلاصه وصیت و اینکه وصیت نامه در حضور او باز شده و خصوصیات وصیت نامه از قبیل مهر و صحت نامه سری را دادرس دادگاه بخش یا حضور اشخاصی بآزمیند که لاف آنرا امتناع یا مهر کرده و در تاریخ باز کردن زنده و در مقر دادگاه حاضر هستند .

اصل وصیت نامه که مطابق این ماده نزد دادرس دادگاه بخش باقی می ماند بهتر امانت ثبت فرستاده می شود و رونوشت آن در دفتر دادگاه میماند . اشخاص ذینفع میتوانند از آن رونوشت بگیرند .

**ماده ۲۹۷** - بعد از باز شدن وصیت نامه دادگاه بخش با اشخاصی که وصیت بنفع آنها شده یا کسانی که وصی همین شده اند مراتب را اطلاع میدهد .

**ماده ۲۹۸** - وصیت نامه وقتی معتبر است که تمام آن موجود باشد و ادعای فقدان وصیت نامه اعم از اینکه این دعوی نسبت به تمام وصیت نامه یا قسمتی از آن باشد مسموع نیست .

**ماده ۲۹۹** - ترتیب صدور سند مالکیت بنام ورثه یا وصی له نسبت با اموال غیر منقول که بنام مورث ثبت شده است در آئین نامه وزارت دادگستری مبین میشود .

#### فصل هفتم - در تقسیم

**ماده ۳۰۰** - در صورت تعدد ورثه هر یک از آنها میتوانند از دادگاه درخواست تقسیم سهم خود را از سهم سایر ورثه بخواهند .

**ماده ۳۰۱** - ولی وصی و قیم هر وقتی که مجبور باشد و امین غائب و جنین کسیکه سهم الاثر بعضی از ورثه با او منتقل شده است و همچنین وصی له و وصی راجع به وصی له در صورتیکه وصیت بنفع جز مشاع از ترکه شده باشد حق درخواست تقسیم را دارند .

**ماده ۳۰۲** - نسبت به درخواست تقسیم مرور زمان جاری نیست و کسبیکه ذینفع در درخواست تقسیم هستند همه وقت میتوانند این درخواست را بنمایند .

**ماده ۳۰۳** - هر گاه یکی از ورثه متوفی غائب مفقود الاثری باشد که وکیل نداشته و درخواست تقسیم اموال متوفی میشود بدو برای غائب امین معین میشود و بعد تقسیم بعمل میآید .

**ماده ۳۰۴** - درخواست تقسیم باید کتبی و مشتمل بر امور زیر باشد :

- ۱ - نام و مشخصات درخواست کننده و متوفی .
- ۲ - ورثه و اشخاص دیگری که ترکه باید بین آنها تقسیم شود و سهام هر یک .

**ماده ۳۰۵** - پس از وصول درخواست هر گاه دادگاه محتاج بنویسبختی باشد درخواست کننده و احضار ننوده و نوبت جاتی که لازم است از او میخواهد .

**ماده ۳۰۶** - دادگاه برای رسیدگی به موضوع درخواست تعیین جلسه نموده و درخواست کننده و اشخاص ذینفع را احضار مینماید .

**ماده ۳۰۷** - درخواست کننده تقسیم میتواند زمینه های برای تقسیم ترکه تهیه نموده و بدادگاه تسلیم نماید در این صورت مراتب در احضار به نوشته شده و تذکر داده میشود که مراجعه بر زمینه های نام برده در دفتر دادگاه مأموم ندارد .

**ماده ۳۰۸** - وقت رسیدگی باید طوری مبین شود که قاضی بین ابلاغ احضار به و روز داد رسمی کمتر از ده روز نیاند .

**ماده ۳۰۹** - اشخاص ذینفع میتوانند در دادگاه حاضر شده پراشی فراری راجع به قاعدت تقسیم یا طرز تقسیم اموال بکذارتند . در این صورت دادگاه صورتجلسی مشتمل بر قرارداد نامبرده تنظیم مینماید .

**ماده ۳۱۰** - هر گاه یک یا چند نفر از اشخاص ذینفع در تنظیم قرارداد مذکور فوق شرکت نداشته و رضایت خود را اظهار نموده باشند دادگاه نتیجه تصدیق را که مربوط به پیش غائب است با اعلام مینماید یا ذکر اینکه میتوانند در ظرف مدت معینی در دفتر دادگاه حاضر شده و قرارداد را عرضه نموده و رضایت یا عدم رضایت خود را اعلام دارند .

**ماده ۳۱۱** - در اشتطار مذکور در فوق قید میگردد که هر گاه شخص غائب در مدت مبین در دفتر حاضر نگردد و یا رضایت و عدم رضایت خود را اظهار نکند بر طبق قرائل مذکور در ماده ۳۰۹ قضیه حل خواهد شد .

**ماده ۳۱۲** - هر گاه شخص غائب در اثر عدم توجهی حاضر نشده باشد و درخواست وقت جدیدی نماید تا رضایت و عدم رضایت خود را اعلام دارد دادگاه وقت جدیدی برای او معین خواهد نمود .

**ماده ۳۱۳** - در صورتیکه تمام ورثه و وصی اشخاصیکه در ترکه شرکت دارند حاضر و رشید باشند بهر نحوی که بنخواهند میتوانند ترکه را مابین خود تقسیم نمایند لیکن اگر مابین آنها مجبور یا غائب باشد تقسیم ترکه بنسبت نمایندگان آنها در دادگاه بعمل میآید .

**ماده ۳۱۴** - در صورتیکه ورثه تراشی درهای اموال غیر منقول مورد درخواست تقسیم نمایند اموال نامبرده باید بنسبت کارشناس ارزیابی شود و اموال منقول در صورتی ارزیابی میگردد که به ارزیابی دو موقع تحریر ترکه بجای نتوان ترتیب اثر داد .

ترتیب اعتبار کارشناس و مقررات راجع بکارشناس که در آئین دادرس مقرر است در تقسیم رعایت میشود .

**ماده ۳۱۵** - کارشناس باید بجهای اموال مورد درخواست تقسیم و اصل قسمت بودن و یا قابل قسمت نبودن آنها را معین و سهام را تعدیل نماید . کارشناس باید برای ارزیابی اموال بجهای روز ارزیابی را در نظر بگیرد .

**ماده ۳۱۶** - تقسیم طوری بعمل میآید که برای هر یک از ورثه از هر نوع اموال حصه ای مبین شود و اگر بعضی از اموال بدون زبان قابل قسمت نباشد ممکن است آنرا در سهم بعضی از ورثه قرارداد و برابر بجهای آن از سایر اموال در سهم دیگران منظور نمود و اگر تعدیل محتاج بنسبت با اموال باشد بنسبت آن تعدیل میشود .

**ماده ۳۱۷** - در صورتیکه مامی اعم از منقول با غیره قابل تقسیم و تعدیل نباشد ممکن است فروخته شده بجهای آن تقسیم شود .

فروش اموال بر ترتیب عادی بعمل میآید مگر آنکه یکی از ورثه فروش آنها را از طریق مزایده درخواست کند .

**ماده ۳۱۸** - در صورتیکه بعضی از ورثه بدون متوفی باشند ممکن است دیندار در سهم خود آنها قرارداد .

**ماده ۳۱۹** - در صورتیکه پس از تعدیل سهام ورثه به تعیین حصه تراشی نمایند سهام آنها بقرعه مبین میشود .

**ماده ۳۲۰** - در موردیکه تقسیم از طریق قرعه انجام میگردد باید جلسه ایکه برای قرعه مبین شده باشد اشخاص ذینفع اطلاع داده شود و اگر بعضی از اشخاص نام برده حاضر نشوند دادگاه بخش بدرخواست اشخاص حاضر اقدام بقرعه و تعیین سهام مینماید .

ماده ۳۳۱- هرگاه یکی از ورثه غالب یا معجور باشد برای غلبت و معجور امین یا تمین و پس از آن تقسیم بعمل بیاید.

ماده ۳۳۲- پس از اتمام شدن تقسیم دادگاه صورت مجلس تنظیم نموده و در آن مقدار تر که وصم هر یک از وراثت و آنچه برای نایب دویون و وصیت منظور شده تصریح می نماید.

ماده ۳۳۳- صورت مجلس مذکور فوق باید با همه باهر صاحبان سهام و ادعاها، دادرس دادگاه برسد و هر کاه بعضی از صاحبان سهام نباشند یا نتوانند یا بخواهند امتناع کنند جهت امتناع، نکر در آن آحاد صورت مجلس قید میشود و این صورت مجلس در دفتر خانه دادگاه باقی خواهد ماند.

ماده ۳۳۴- دادگاه بر طبق صورت مجلس مذکور در دو ماده فوق تقسیم نامه بدهنده صاحبان سهام تهیه نموده و آنها ابلاغ و تسلیم می نماید.

این تقسیم دادگاه حکم شایسته شده و از تاریخ ابلاغ در حدود قوانین قابل اعتراض و پژوهش و فرجام است. ماده ۳۳۵- هر یک از ورثه پس از تقسیم مالک مستقل سهم خود خواهد بود و هر تصرفی که بخواهد می نماید و بدهنده دیگر آن حقی ندارد.

ماده ۳۳۶- مقررات قانون مدنی راجع به تقسیم در مورد تقسیم تر که جاری است و نیز مقررات راجع به تقسیم که در این قانون به ذکر در صورت تقسیم سایر اموال جاری خواهد بود.

#### فصل هشتم - در تر که متوفای بلا وارث

ماده ۳۳۷- در صورتیکه وارث متوفی نباشد بدو درخواست دادستان یا اشخاص ذبیع برای اداره تر که بدو مین می شود.

ماده ۳۳۸- در مورد ماده فوق دادستان مکلف است سرافت نماید اقداماتی که برای حفظ تر که لازم است بعمل آید و از دادگاه تعیین مدیر تر که را بخواهد.

ماده ۳۳۹- پس از وصول درخواست دادگاه باید متهی نایبگفته مدیر تر که را مین نماید.

ماده ۳۴۰- در صورتیکه متوفی برای اجراء وصیت خود وصی مین کرده باشد اداره تر که بوسی واکتدار میشود.

ماده ۳۴۱- هرگاه متوفی معجور بوده وصی داشته است اداره تر که بوسی یا تمین واکتدار میشود.

ماده ۳۴۲- در غیر موارد مذکور در دو ماده فوق اداره تر که بوسی که مورد اعتماد دادرس است واکتدار خواهد شد.

ماده ۳۴۳- مقررات مواد ۲۳۵ و ۲۳۶ و ۲۳۷ و ۲۳۸ و ۲۳۹ و ۲۴۰ و ۲۴۱ و ۲۴۲ و ۲۴۳ و ۲۴۴ نسبت بتر که متوفائی هم که وارث او معلوم نیست جاری خواهد بود.

ماده ۳۴۴- مدیر تر که پس از تحریر تر که دیون و واجبات مالی متوفی و ادا کرده مورد وصیت را در صورتیکه وصیت شده باشد خارج و باقی مانده تر که را از اموال مقول و غیر مقول و وجه نقد که در تصرف دولت یا بانکهای بازگای و صرافی و غیره یا اشخاص است بدادستان تسلیم می کند که بترتیب مقرر در آئین نامه وزارت دادگستری تکمیل می نماید.

ماده ۳۴۵- اگر از تاریخ تحریر تر که تا ده سال وارث متوفی معلوم نشود تر که باو داده میشود و پس از گذشتن مدت نامبرده باقی مانده تر که بترتیب دولت تسلیم میشود و ادعاها حقی نسبت بتر که از کسی بهر عنوان که باشد پذیرفته نیست.

ماده ۳۴۶- در صورتیکه قبل از انقضای مدت مذکور فوق ادعاها حقی بر متوفی بشود و حق نامبرده بدو وجب سند

رسی یا حکم قطعی دادگاه ثابت شده باشد مدیر تر که باید بر دوازده و در صورتیکه حقی بدو وجب نوشته است یا دفاتر متوفی معجز شود مدیر تر که با موافقت دادستان میتواند آرا بر دوازده و اگر تر که بدادستان داده شده باشد او خواهد پرداخت و چنانچه ادعاها بترتیب مذکور ثابت و معجز نشود مدعی میتواند بطریق مدیر تر که و در صورتیکه تر که بدادستان داده شده باشد بطریق اولی اقامه دعوی نماید.

#### فصل نهم - راجع بتر که اتباع خارجه

ماده ۳۳۷- جز آنچه در این فصل ذکر میشود مهور و موم و برداشتن مهر و موم و برداشتن مهر و موم و راجع به اتباع خارجه همان طریق خواهد بود که مطابق این قانون برای تر که اتباع ایران است.

ماده ۳۳۸- هرگاه تبعه خارجه در ایران یا در خارجه فوت شود در ایران مالی باشد دادرس دادگاه بخش عملی که مال متوفی در آنجا واقع است بدو درخواست هر ذبیع یا بدو درخواست کسول دولت بترتیب متوفی بدادستان بوظیفه تصفیه اس تر که اتمام می نماید و در صورتیکه متوفی وارث یا قائم مقام در ایران نداشته باشد بدون درخواست هم دادرس پس از اطلاع اقدام بوظیفه و تصفیه تر که مینماید.

ماده ۳۳۹- دادگاه بخش پس از وصول درخواست ذبیع یا کسول و بجهت اطلاع از فوت در مورد اخیر ماده فوق وقتی را که از تاریخ وصول درخواست با اطلاع مجاز از ۴۸ ساعت نباشد برای اقدامات تأمینیه از قبیل مهر و موم و غیره مقرر کند کتاباً کسول دولت بترتیب اطلاع میدهد که در موقع اتمام به تأمین حضور بهر رساند.

عدم حضور کسول مانع از اقدام نخواهد بود ولی بعداً میتواند در عمل حاضر شده مهور و موم خود را بدو موم دادگاه اضافه نماید.

ماده ۳۴۰- در صورتیکه کسول دولت بترتیب قبلا از وقت مطلع شده و اس طوری باشد که تا اطلاع بدو در ایران مین تعیین و ترتیب تمام بقیه اس تر که برود میتواند شخصاً اقدامات موقتی برای حفظ آن بعمل آورده و وضعیت متوفی را تا مدتی دادرس دادگاه بخش حفظ نماید.

ماده ۳۴۱- در موقعیکه دادگاه بخش برای مهور و موم تعیین وقت میکند باید بلافاصله و متهی در ظرف یک هفته از تاریخ وصول درخواست با اطلاع مجاز برای اداره تر که بدو مین معرفی نماید.

ماده ۳۴۲- دادگاه میتواند با رعایت ماده ۲۹۹ و با در نظر گرفتن مصلحت و منابع ورثه و اشخاص ذبیع هر کس را که طرف اعتماد بداند بسمت مدیر تر که مین کند.

اقدامات مدیر تر که با نظارت دادستان بعمل خواهد آمد.

در مقامی که اداره تصفیه موجود است مدیر تر که مین تعیین شود و این وظیفه بدارم تصفیه وجوب میشود.

ماده ۳۴۳- مدیر تر که باید بجهت ابلاغ اشخاص خود سه آگهی هر یک بقاصد یکماه در علمه رسمی و یکی از روزنامه های کثیرالانتشار عمل و اگر در عمل روزنامه نباشد در یکی از روزنامه های کثیرالانتشار چاپ آن منتشر نموده اشخاص را که بعنوان ذبیع برای خود سقی کرده متوفی و یا برایشان تر که قابل حسد دعوت نماید در ظرف شش ماه از تاریخ انتشار اولین آگهی خود را معرفی و موضوع حق خود را مین کند و رونوشت یا عکس گواهی شده مذکورک طلب و حقیقت خود را به او تسلیم نمایند.

هرگاه میزان تر که کمتر از هزار ریال باشد آگهی دو روزنامه لازم نیست.

ماده ۳۴۴- پس از تعیین مدیر تر که دادگاه بخش بدو در دادستان تر که را تحریر و او تسلیم مینماید.

ماده ۳۴۵- برای تحریر تر که در روز ساعت و عمل تحریر بدادستان و اشخاص مشروطه اطلاع داده میشود.

- ۱ - تمام وراثت که در ایران حاضر بوده و یا نماینده در آنجا دارند .
- ۲ - وصی اگر معلوم و یقین ایران باشد .
- ۳ - کسانی که وصیت بقاع آنها شده اگر معلوم و یقین ایران بوده و یا در ایران نماینده داشته باشند .
- ۴ - شرکاء متوفی اگر باشد در صورتیکه در ایران حاضر بوده یا نماینده داشته باشد .
- ۵ - کسول دولت متبوع متوفی .

ماده ۴۴۶ - نسبت اشخاصیکه اعلامنامه مندرج در ماده فوق برای آنها فرستاده شده مانع از تحریر ترکه نبوده بود ولی در صورتیکه کسول دولت متبوع متوفی در موقع تحریر ترکه حاضر نباشد مراتب در صورتجلسه قید و رونوشتی از آن برای کسول فرستاده میشود .

ماده ۴۴۷ - بصورت زیر ترکه باید صورتی از اموال غیر منقول که در ایران واقع است با تعیین بهای تقریبی آنها پیوست شود .

ماده ۴۴۸ - در صورتیکه ورثه یا وصی متوفی یا قائم مقام قانونی آنها حاضر شوند برابر بهای ترکه نامین دهند که هر گاه در مدت یک سال از تاریخ انتشار اولین آگهی مذکور در ماده ۲۴۳ پستکارانی پیدا شود که تیره ایران یا متبوع ایران باشند و مطالب آنها ثابت گردد از عهده برآید ترکه پس از مزین آگهی ها و مزین های دیگر قانونی که بعمل آمده است بتصرف آنها داده میشود .

ماده ۴۴۹ - تأمین ممکن است بوسیله تودیع وجه نقد یا وثیقه دادن اموال منقول و یا غیره منقول با داد، ضمانت معتبر بعمل آید و نیز ممکن است درخواست کننده از ضمانت اموال متوفی تأمین بدهد .

قبول یا رد تأمین منوط بنظر داد گامی است که مدبر ترکه را تعیین نموده است .

ماده ۴۵۰ - مدبر ترکه یا اجازه داد گاه بخش میشود بوجه متوفی که در حال استیصال و بقیم در ایران هستند تا موقع تصفیه ماترک بدین که برای مبیعت آنها ضروری باشد بپردازد .

در موردی که اداره تصفیه و طبقه امین ترکه را انجام می دهد اجازه داد گاه بخش لازم نیست .

ماده ۴۵۱ - پس از افضاء مدت مذکور در ماده ۲۴۳ مدبر ترکه و متوفی را برای رسیدگی به عدای و مطالبات همین کرده بوجه برسی قائم مقام قانونی آنها و کسول دولت متبوع متوفی اگر در محل باشد اطلاع میدهد و در وقت مقرر شروع برسدگی نموده و پس از رسیدگی کلیه دیون و تعهداتی را که بر ذمه متوفی ثابت و محقق است با اجازه دادستان تأدی به نمایندگی و بقیه را به ورثه یا وصی یا قائم مقام قانونی آنها و در صورتیکه اشخاص نامبرده اصلاً نباشند یا در ایران نباشند به کسول یا سایر نمایندگان سیاسی دولت متبوع تسلیم مینماید .

ماده ۴۵۲ - اشخاصی که مدعی حق بر ترکه بوده و مدعی آنها از طرف مدبر ترکه و دادستان یا مدبر تصفیه تصدیق نموده باشند میتوانند دعوی خود را در داد گاه صلاحیت دار اقامه یا تعقیب نمایند .

افضاء مدت مقرر در ماده ۲۴۳ موجب سقوط حق اشخاصی که در ظرف مدت حق خود را مطالبه نکرده اند نمیشود .

ماده ۴۵۳ - اگر نسبت بترکه متوفی قرار تأمین صادر شده باشد تسلیم اموال یا اشخاص مذکور در ماده ۲۵۱ یا رعایت فرار داد گاه بعمل خواهد آمد .

ماده ۴۵۴ - هر گاه متوفی یا ورثه یا کسول بوده و بموجب حکم داد گاه ورشکستگی اوقیل یا بعد از فوت اعلام شود اداره تصفیه امور را تابع مقررات راجع به تصفیه امور بایزرگان متوقف است .

ماده ۴۵۵ - رسیدگی بدعای راجع بترکه اتباع خارجه در ایران از صلاحیت داد گاه ایران است .

ماده ۴۵۶ - تصدیق صادره از مقامات صلاحیت دار کشور متوفی راجع بوراقت اتباع خارجه یا انحصار آن پس از احراز اعتبار آن در داد گاه ایران از حیث صدور ورعایت مقررات مربوطه به اعتبار اسناد تنظیم شده در خارجه قابل ترتیب اثر نخواهد بود .

ماده ۴۵۷ - اگر تیره خارجه که در ایران فوت شده مسافر متوفی باشد اشخاص متعلق با او فرار یا کسول دولت متبوع یا بر او تسلیم بشود .

ماده ۴۵۸ - از مزین بهائی که برای اداره کردن ترکه می شود باید صورت کامل بهای بدستان داده شود .

ماده ۴۵۹ - حقوقی که بموجب این فصل برای کسولها یا نمایندگان سیاسی خارجه مقرر شده مربوط به کسول نماینده سیاسی دولتی است که در خاک آن دولت نسبت به کسولها یا نمایندگان سیاسی ایران معامله متقابله بشود .

#### فصل دهم - در تصدیق انحصار وراثت

ماده ۴۶۰ - در صورتیکه وراثت متوفی یا سایر اشخاص ذنبع بخواهند تصدیق انحصار وراثت تحصیل کنند در خواست نامه کتبی مشتمله بر نام و مشخصات درخواست کننده و متوفی و ورثه و اقامتگاه آنها و نسبت بین متوفی و وراثت تنظیم نموده بداد گاه تسلیم مینماید .

ماده ۴۶۱ - داد گاه بخش در خواست نام برده را سه دفته پس در بی ماهی یک مرتبه آگهی مینماید .

ماده ۴۶۲ - پس از افضاء سه ماه از تاریخ نشر اولین آگهی در صورتیکه بمتضر نبود داد گاه تمام ادله و اسناد درخواست کننده تصدیق را از یک شش ماهه و گواهی گواه و غیره در نظر گرفته تصدیق مشیر بوراقت و تعیین عهده وراثت و نسبت آنها بمنوفی صادر مینماید و در صورت اعتراض داد گاه جلسه ای برای رسیدگی به اعتراض همین نموده و به بمتضر و درخواست کننده تصدیق اطلاع میدهد و در جلسه پس از رسیدگی حکم خواهد داد و این حکم قابل پژوهش و فرجام است .

ماده ۴۶۳ - داد گاه بخش مینماید گواه هارا احضار کرده و گواهی آنها را استماع کند . چنانچه گواه در خارجه از مقرر داد گاه ساکن باشد تحقیق از گواه بوسیله داد گاه محل اقامت گواه یا نزدیکترین داد گاه محل اقامت گواه بعمل خواهد آمد .

ماده ۴۶۴ - در صورتیکه بهای ترکه بیش از یک هزار ریال نباشد انتشار آگهی مذکور در ماده ۲۶۱ بعمل نخواهد آمد و داد گاه بایله اسناد و اظهارات گواه های درخواست کننده رسیدگی کرده و درخواست تصدیق را بحسب اقتضا و دلایل قبول یا رد مینماید .

ماده ۴۶۵ - در صورتیکه بواسطه معلوم نبودن ورثه یا برای تصفیه ترکه وغیره ایلا برای معرفی ورثه آگهی باشد صدور تصدیق انحصار وراثت محتاج با گاهی جدید نبوده و در صورت درخواست هر یک از ورثه یا اشخاص ذنبع تصدیق انحصار وراثت صادر خواهد شد .

ماده ۴۶۶ - رأی داد گاه در مورد درخواست تصدیق قابل پژوهش و فرجام است .

ماده ۴۶۷ - در کلیه موارد که دادستان تشخیص دهد که متوفی بلا وارث بوده و درخواست اشخاص برای صدور تصدیق بی اساس است میتواند بدرخواست تصدیق وراثت اعتراض نماید و نیز میتواند در صورتیکه متوفی را بلا وارث بداند بتصدیق انحصار وراثت در مورد هم که تصدیق موقوف با گاهی نبوده است اعتراض کند و در هر حال دادستان حق دارد رأی داد گاه در مورد پژوهش و فرجام خواهد .

ماده ۴۶۸ - ملائیکه برای محجورین و برای غائب امین نشده دادستان میتواند بنام محجور و غائب بدرخواست تصدیق انحصار وراثت اعتراض نماید .

ماده ۳۱۹- در مورد ماده ۳۱۶ اشخاص ذینفع میتوانند بدخواست تصدیق و همچنین تصدیقی که در موضوع وراثت صادر میشود اعتراض نمایند و برای دادگاه در این خصوص قابل پژوهش و فرجام است.

ماده ۳۲۰- اشخاصی که تصدیق انحصار وراثت تحصیل کرده اند میتوانند مطابق تصدیق نام برده ترکه و مطالبات متوفی را از کسبی که مدیون یا متصرف مال متوفی هستند مطالبه نمایند - مدیون یا متصرف اموال متوفی باید ترکه و مطالبات متوفی را با آنها تسلیم نماید - و در صورت تأدیق دین یا تسلیم مال در مقابل هر مدعی وراثت بری محسوب خواهند شد و مدعی نام برده حق رجوع باین خصوص با اشخاصی خواهد داشت که طلب متوفی را وصول و یا مال متعلق را بارها دریافت نموده اند.

ماده ۳۲۱- مدیون کسی که بدهی خود را بوراثت متوفی میدهد میتواند رونوشت گواهی شده انحصار وراثت را از وارث بخواهد.

ماده ۳۲۲- در تصدیق انحصار وراثت باید نسبتی که وارث باورثه بصورت خود طارند از متروکات بنحو اشیاء مبین شود.

ماده ۳۲۳- در تصدیق انحصار وراثت بدخواست ورثه دادگاه حقه هر یک از ورثه را و مبین بنمایاند.

ماده ۳۲۴- در صورتی که ورثه بخواهند ملک غیر، قولنامه یا مهور ثبت شده است بنام اشخاصی که در دادگاه تصدیق انحصار وراثت یا رونوشت گواهی شده آنرا که بمثل برترین سهام باشد با دانه ثبت تسلیم نمایند.

### باب هفتم - در هزینه

ماده ۳۲۵- هزینه رسیدگی با امور حسبی بجز مهور باورثه ذیر بوده و در هر مورد بوجه درخواست نیست ریال گرفته میشود:

۱- درخواست تسلیم اموال غالب بورثه.

۲- درخواست حکم بوث فرضی.

۳- درخواست پژوهش اورد درخواست حکم بوث فرضی.

۴- درخواست مهر و دوم ترکه.

۵- درخواست برداشتن مهر و دوم ترکه.

۶- درخواست تحریر ترکه.

۷- درخواست تصفیه ترکه.

۸- درخواست تقسیم ترکه.

۹- درخواست تصدیق انحصار وراثت.

ماده ۳۲۶- درخواست مالی که دادستان از دادگاه بخواهد و همچنین اذعان اینکه دادگاه بدون درخواست بکنک بانجام است هزینه ندارد.

ماده ۳۲۷- هزینه آگهی تصدیق انحصار وراثت از درخواست کننده گرفته میشود و هزینه حفظ و اداره ترکه و تحریر و تصفیه و تقسیم ترکه از ترکه برداشته میشود.

ماده ۳۲۸- وزیر دادگستری مجاز است آیین نامه های لازم برای اجرای این قانون را تهیه و بوجه اجرا بگذارد این قانون که مشتمل بر سیصد و هشتاد و هشت ماده است در جلسه دوم تیرماه یک هزار و سیصد و نوزده تصویب

جلس شورای ملی رسید.

رئیس مجلس شورای ملی - حسن استندبازی

## قانون

اجازه تعدید استخدام آقای انوموزز تبه آلمان مدیر فنی چاپخانه مجلس

ماده ۱- کابرداری مجلس شورای ملی مجاز است مدت استخدام آقای انوموزز تبه آلمان را برای مدیر فنی قسمتی از امور چاپخانه مجلس که خصوصیات آن در قرارداد تصریح خواهد شد از آغاز آبان ماه ۱۳۱۹ بمدت پنجاه و یکر تعدید نماید.

ماده ۲- حقوق پنجاهه آقای انوموزز مبلغ بیست و نه هزار و دویست و پنجاه ریال است که در آخر هر ماه خورشیدی مبلغ پنجاه هزار و هشتصد و پنجاه ریال بمی بریال و نیم دیگر ببارک آلمان پرداخته شود.

ماده ۳- برای هزینه بازگشت لو آلمان چهار هزار ریال منظور خواهد شد.

ماده ۴- کارپردازی مجلس شورای ملی مجاز است مبلغ سی هزار و یکصد و پنجاه ریال تفاوت اعتبار حقوق

پنجاهه و حق خدمت ایام مرخصی قانونی چهار ماهه گذشته مشارالیه را از محل صرفه جوئی بودجه سال ۱۳۱۹ چاپخانه مجلس تأمین و پرداخت نماید.

ماده ۵- کارپردازی مجلس شورای ملی اجازه دارد طبق ماده دوم قانون کتورات مستخدمین خارجی مرسوم

۲۳ عترب ۱۳۱۹ سایر شرایط را تعیین و قرارداد با آقای انوموزز را امضاء و میباید نماید.

این قانون که مشتمل بر پنج ماده است در جلسه شانزدهم تیرماه یک هزار و سیصد و نوزده تصویب

جلس شورای ملی رسید.

رئیس مجلس شورای ملی - حسن استندبازی

## قانون

اجازه تعدید استخدام آقای ویلهلم و بر تبه آلمان سرپرست ماشین آلات چاپخانه مجلس

ماده یکم - کارپردازی مجلس شورای ملی مجاز است استخدام ویلهلم و بر تبه آلمان را برای سرپرست ماشین آلات چاپخانه مجلس مربوط چاپ سرب و انترتولیبی و غیره و حسب مابین آلات مورد احتیاج از تاریخ ۱۴ آذر ۱۳۱۹ بمدت

۱۳۱۹ برای مدت یکسال تعدید نماید.

ماده دوم - حقوق یکساله او چهل و هشت هزار ریال خواهد بود که در آخر هر ماه دویسی مبلغ چهار هزار ریال در ماه نصف بریال و نصف دیگر با نوزدهم خارجی (از محل اربز بودجه مجلس شورای ملی) پرداخته میشود.

ماده سوم - برای هزینه برکتش و مشارالیه با آلمان مبلغ دو هزار و پانصد ریال منظور خواهد شد.

ماده چهارم - آقای ویلهلم و بر در طرف این یکسال بکدام مرخصی با استفاده از حقوق خواهد داشت.

ماده پنجم - کارپردازی مجلس مجاز است طبق ماده دوم قانون کتورات مستخدمین خارجی مصوبه ۲۳ عترب

۱۳۱۹ سایر شرایط را تعیین و قرارداد آقای ویلهلم و بر را امضاء نماید.

این قانون که مشتمل بر پنج ماده است در جلسه شانزدهم تیرماه یک هزار و سیصد و نوزده تصویب

جلس شورای ملی رسید.

رئیس مجلس شورای ملی - حسن استندبازی